

زندگی نامه علامه سید جعفر کشفی دارابی

سید حسین کشفی^۱

چکیده

مقاله در باب شرح حال سید جعفر کشفی دارابی عالم قرن سیزدهم (۱۱۸۹-۱۲۶۷ قمری) است. نگارنده در باره تاریخ و محل تولد، والدین، تعلم و تعلیم او در شهرهای اصطهبانات، یزد، نجف، بروجرد و اصفهان، و سرانجام، اقامت او در بروجرد تا زمان وفات، مستندات آوری آورده است. همچنین دیدگاه هفده تن از دانشوران قرن سیزدهم و چهاردهم در باره او را باز می گوید. آنگاه ۲۸ عنوان از تألیفات او را، همراه با ویژگی های چاپی و نسخه های خطی معرفی می کند. این تألیفات در رشته های منطق، ادبیات، اصول دین، اصول فقه، کلام، فقه، سیره نبوی، مهدویت، حکمت عملی، دعا، تفسیر و علوم قرآنی، امامت و ادبیات عرب است. نگارنده همچنین ۱۵ تن از شاگردان کشفی و ۱۸ تن از فرزندان و نوادگان دانشمند او را معرفی می کند.

کلیدواژه ها

کشفی دارابی، سید جعفر؛ عالمان شیعه - قرن سیزدهم؛ حوزه علمیه بروجرد - قرن سیزدهم، خاندان های علمی - خاندان کشفی؛ کتابشناسی آثار سید جعفر کشفی.

علامه بزرگ و مفسر سترگ، شخصیت نامی علم و عمل، مرحوم علامه سید جعفر کشفی دارابی، یکی از مشاهیر دانشمندان شیعه در قرن سیزدهم به شمار می‌رود. وی با تألیفات فراوانش در علوم مختلف و پرورش شاگردان در شهرهای مختلف ایران، خدمت شایانی به علم و دیانت نمود. در این مقال به زندگی پربار و کارنامه درخشان عمر شریفش می‌پردازیم.

ولادت

سید جعفر دارابی مشهور به «کشفی» در سال ۱۱۸۹ ق در شهر اصطهبانات - واقع در شرق استان فارس - به دنیا آمد. درباره تاریخ ولادت وی سه گزارش موجود است:

الف: سید کشفی در پایان کتاب سنابرق می‌نویسد:

وقد كان الشروع في هذا الشرح والطرح والنسج والسرد في دار العبادة يزد، أوّل شهر المبارك شهر الصيام، والفراغ منه والختام في محروسة بروجرد في آخر ذي القعدة الحرام... من آخر سنة ثلاث و خمسين بعد المائة الثانية من المائين بعد الألف الأوّل من هجرة سيّد المرسلين... و قد بلغت فيها من العمر الستين و ازددت أربعاً أو خمساً من السنين.

از این عبارت استفاده می‌شود که علامه کشفی در سال ۱۲۵۳ ق، ۶۴ یا ۶۵ سال داشته است که با ولادت در سال ۱۱۸۹ ق سازگاری دارد.

ب: علامه سید حسین بروجردی (م ۱۲۷۶ ق) در کتاب زبدة المقال درباره استادش علامه کشفی چنین سروده است:

سیدنا الأصفی الجلیل جعفر ابن أبي إسحق المفسّر
قد كان بديراً لسماء العلم و بعد «لمح» «غاب نجم العلم»

در این بیت «غاب نجم العلم» به تاریخ وفات (۱۲۶۷ ق) و «لمح» به مدت حیاتش (۷۸ سال) اشاره دارد. با کم کردن ۷۸ از ۱۲۶۷ سال ولادت سید کشفی مطابق با ۱۱۸۹ ق می‌گردد.

ج: سید سیناء (فرزند علامه کشفی) در پشت یکی از نسخه‌های خطی کتاب سنابرق^۲

۱. بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۲. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حجت کشفی، ص ۳۲، شماره ۲۰.



درباره تاریخ ولادت والدش می نویسد: «وُلِدَ (رحمه الله) كما وجد من خطّه (قدّس سرّه) في سنة أحد و تسعين و مائة بعد ألف (۱۱۹۱)».

درباره محل ولادت علامه کشفی نیز در بیشتر منابع اصطهبانات ذکر شده است^۱، لکن بعضی داراب را محل ولادت وی می دانند.^۲

پدر

والد بزرگوارش سید اسحاق یکی از علمای محترم داراب بود. در رساله شجره طیبه^۳ که درباره ذکر اولاد و اولادزاده‌های سید کشفی است، درباره وی آمده است:

مرحوم آقا سید جعفر کشفی (أعلى الله مقامه)، والد ماجد ایشان جناب مستطاب علامه فهام آقا سید اسحاق است (نور الله مضجعه) و از اهل علم و زهد و ورع و تقوی بودند و در قلعه داراب که مشهور است به قلعه پائین، سکنی گزیدند و مدفن ایشان جنب ضریح امامزاده داراب است.

درباره نام پدر سید کشفی احتمالات دیگری نیز مطرح شده است، مرحوم آیه الله مرعشی نجفی نام او را «ابراهیم» و مرحوم سید روح الله کشفی، «یعقوب»^۴ می دانند، اما به نظر می آید قول صحیح همان «سید اسحاق» باشد. دلیل بر آن نیز چند مطلب می باشد: الف: همان طور که ذکر شد، در رساله شجره طیبه و هم چنین در دو جزوه دیگر که درباره ذکر تعداد اولاد و اولادزاده‌های علامه کشفی، توسط مرحوم سید جعفر بن سید مصفی بن علامه کشفی و فرزندش مرحوم سید موسی مقتدی کشفی تدوین گردیده، تصریح شده است که نام پدر علامه کشفی «سید اسحاق» بوده است.

۱. رک: فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۲۶۰؛ طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۴۵۵؛ رساله شجره طیبه (مخطوط)، ص ۲.

۲. رک: تاریخ روضة الصفا ناصری، ج ۱۰، ص ۴۵۶؛ إجابة المضطربین، مقدمه، ج ۱.

۳. این رساله قدیمی در سال ۱۳۴۲ ق توسط یکی از سادات کشفی اصطهبانات تدوین شده است، اما مؤلف آن دقیقاً چه کسی است؟ تا امروز بر این جانب نامعلوم است. از آن جا که در ابتدای این رساله آیه شریفه ﴿الْمَرَّتْ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾ ذکر شده است ما عنوان این رساله را «شجره طیبه» قرار دادیم.

۴. مقدمه إجابة المضطربین، صفحه (ج).





ب: مرحوم سید مصطفی فرزند علامه کشفی در پایان استنساخ جلد اول کتاب کفایة الأیتام^۱، هم چنین مرحوم سید سینا فرزند دیگر علامه در پایان کتاب منتخب التوراة^۲، و مرحوم سید علی فرزند دیگر علامه در پایان کتاب إجابة المضطرین^۳ خود را فرزند «جعفر بن اسحاق» معرفی می‌کنند.

ج: در بسیاری از نسخه‌های خطی کتاب‌های علامه کشفی، بخصوص نسخه خطی الرق المنشور (موجود در کتابخانه مرعشی، به شماره ۱۶۹۰) و الشهب القابوس (موجود در کتابخانه مرعشی، به شماره ۶۹۷۷) و جلد اول کفایة الأیتام (موجود در کتابخانه مجلس، به شماره ۱۴۴۹۹) و استنساخ کتاب مصباح الشریعة (موجود در کتابخانه استاد سید حجت کشفی، به شماره ۱۸۴) که همگی به خط خود علامه کشفی است، ایشان خود را «جعفر بن ابیه اسحاق» معرفی می‌کنند. از آن جا که این تعبیر نامانوس بوده است، لذا در بسیاری از موارد ناسخین کتاب‌های سید کشفی، عنوان نام ایشان را «جعفر بن ابی اسحاق» ثبت کرده‌اند و همین عنوان شهرت پیدا کرده است.

با این حال مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی در شجره نامه ای که برای علامه کشفی تنظیم نموده، نام پدر علامه را این گونه ثبت کرده است: «أبي إسحاق إبراهيم العارف المحدث المفسر الفقيه الشاعر المتخلص بالحقير».

مادر

مادر علامه سید جعفر کشفی «جهان خانم» دختر مرحوم آیه الله شیخ حسین بن محمد بحرینی (م ۱۱۹۲ق) است. شیخ حسین از شخصیت‌های برجسته قرن دوازدهم هجری است.

مرحوم شیخ عبدالنبی قزوینی درباره وی می‌نویسد:

الشیخ محمد حسین البحرانی الاضطهوناتی، فاضل عظیم القدر والمنزلة، وعالم نبیه

۱. موجود در کتابخانه استاد سید حجت کشفی، شماره ۲۵.

۲. موجود در کتابخانه استاد سید حجت کشفی، شماره ۵۲. (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حجت کشفی، ص ۶۰)

۳. موجود در کتابخانه آستان قدس، شماره ۲۳۲۰۱.

الرتبة والدرجة. قد برع في الفضل وفاق، وقلّ منه المثل والبديل في الآفاق. قد تمهّر في جميع الفنون، وتحذّق في اكتناه الغصون والشجون، وهو متكلم ماهر، وفي الفقه وأصوله وفروعه بجزاخر.

وبالجملّة قد وصل إلى كمال الفضل وبلغ الرتبة، وله مع ذلك طبع منبسط وحسن عريكة لا ينشبط، وقوّة نفس يتكبر بها على الأكابر، ويتفوّق عليهم بما يستحسن عند الأعظم والأصاغر.

ورد يزد مسافراً لزيارة علي بن موسى الرضا (عليه السلام) ذهاباً وإياباً، وتبرّكنا برؤيته أياً ما (أدام الله بركاته ومتّعنا بافاداته) ولنا معه أيضاً مكالمات ومقاولات قد جرى بيننا وبينه في رسائل^١.

هم چنين مرحوم شيخ آقاي بزرگ تهراني در باره وي مي نويسد:

المحسين البحريني (م ١١٩٣) ابن محمد نزيل إصطهبانات والمدفون بها وعلى لوح قبره مكتوب: «قد انتقل النحرير المحقق والحكيم المدقق، قدوة المتكلمين وزبدة الفقهاء المحدثين، غوّاص بحر المعارف و مقتبس شوارد الحقائق واللطائف، العالم الربّاني والعارف الصمداني على المنهج البرهاني، المحقق الأوحد شيخنا الشيخ حسين بن المرحوم المغفور الشيخ محمد البحريني (أنارالله برهانه ورفع مكانه إلى جوار رحمة الله الكريم) في يوم الأربعاء الثامن عشر من صفر سنة الثانية والتسعين بعد المائة والألف»

وله تصانيف حدّث بعض أحفاده بوجود بعضها عنده مثل رسالة في الفقه وأخرى في الهيئة. وترجمه القزويني في تتميم الأمل ص ١١٦ الذي ألفه ١١٩١ قبل وفاة صاحب الترجمة بسنة بعنوان الشيخ محمد حسين البحريني الإسطهبوناتي والأصحّ ما حكيناه عن لوح قبره^٢.

برخی جد مادری سید کشفی را مرحوم شیخ حسین بن محمد بن احمد بن ابراهیم آل عصفور البحرانی برادرزاده عالم بزرگ شیخ یوسف بحرانی صاحب کتاب حدائق الناضرة

١. تتميم أمل الأمل، ص ١١٦.

٢. طبقات أعلام الشيعة، ج ٩، ص ١٨٦-١٨٧.

دانسته‌اند. میرزا حسن حسینی فسائی می‌نویسد:

و از اجله سلسله مشایخ بحرینی است: جناب مستطاب، علامه زمان و فرید اوان، قدوه محدثین، صفوة مدرسین شیخ حسین بن شیخ محمد برادر اعیانی غفران مآب، شیخ یوسف آل عصفور، و جناب شیخ یوسف کتاب لؤلؤتین را برای اجازه جناب شیخ حسین و برادر اعیانی او جناب مجتهد الزمان شیخ... نوشته است و جناب شیخ حسین در خدمت عمّ ماجد خود و سایر علمای بحرین تحصیل کمالات علمیه نموده، سرآمد فضلالی عصر خود گردید و مدتها در قصبه فسا توقف داشت پس به قصبه اصطهبانات رفته، رحل اقامت را بینداخت و در سال ۱۱۹۰ هم در آنجا وفات یافت و قبرش زیارتگاه آن سامان است و جناب مستطاب نادره زمان و علامه اوان آقا سید جعفر کشفی اصطهباناتی مشهور به «دارابی» - که شرح حالش در ذیل بلوک اصطهبانات گفته شد - دخترزاده جناب شیخ حسین بحرینی است.^۱

به نظر می‌آید تشابه اسمی سبب این اشتباه شده است، چون شیخ حسین بحرانی برادرزاده صاحب حدائق در سال ۱۲۱۶ ق وفات یافته و به گفته شیخ آقابزرگ تهرانی قبر او در شاخوره یکی از روستاهای بحرین، زیارتگاه معروفی است.^۲

نسب

طبق شجره نامه ای که عالم نسابه مرحوم آية الله العظمی مرعشی نجفی در سال ۱۳۵۹ ق، به درخواست مرحوم آية الله سید مهدی بن ریحان الله بن علامه سید جعفر کشفی (م ۱۳۶۷ ق) تنظیم کرده‌اند، نسب علامه سید جعفر با ۳۴ واسطه به پیشوای هفتمین حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام منتهی می‌شود.

مرحوم آية الله سید مهدی کشفی متن نامه آية الله العظمی مرعشی را مکتوب کرده‌اند که در این جا ذکر می‌کنیم:

هذا ما كتبه الينا العالم الجليل السيد شهاب الدين النجفي نزيل بلدة قم بلا تغيير

۱. فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۴۰۸.

۲. رک: طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۰، ص ۴۲۷-۴۲۸.



ولا تغيّر:

بسم الله الرحمن الرحيم

السيد الجليل أبو الحسن جعفر الكشفي الدارابي، ابن أبي إسحق إبراهيم العارف المحدث
الفقيه الشاعر المتخلص بـ«الحقير»، ابن عبد الله المحدث المورّخ، ابن عبد الكريم المتكلم
الحكيم، ابن محمد أبي الفضل، ابن محمد أبي المعالي، ابن قاسم، ابن محمود، ابن علي
العلامة الشاعر المتخلص بـ«مجنون»، ابن ناصر، ابن محمد المعروف بخشائش، ابن محمود،
ابن حسام الدين، ابن يحيى، ابن خضر العارف الحكيم، ابن الحسين، بن محمد المهدي،
ابن الحسن، ابن محمد الداعي، ابن المهدي المهتأ، ابن محمد الفقيه، ابن الحسن، ابن
محمد المرتضى المعظم المكرّم، ابن حمزة، ابن الطالب، ابن محمد الرضي، ابن قاسم،
ابن أبي طالب زيد نقيب الهاشميين بسيرجان من بلاد كرمان، ابن أبي العزّ محمد،
ابن أبي الحسين طاهر، ابن أبي المحسن علي، ابن أبي جعفر محمد، ابن أبي الحسن
علي وولده نقيب سيرة جان، ابن أبي إسحق إبراهيم الضرير الكوفي المحدث الراوي
المعروف بالمجاب بردّ السلام، وذلك لأنه دخل إلى حضرة أبي عبد الله الحسين
(عليه السلام) فقال: السلام عليك يا أبي؛ فسمع صوت: وعليك السلام يا ولدي؛
وفي ذلك يقول بعض السادات من ذريته مفتخرًا:

من أين للناس مثل جدّي موسى أو ابن ابنه المجاب
إذ خاطب السبط وهو رمس جاوبه أكرم الجواب

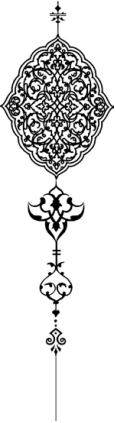
وقبره بكر بلاء في رواق مولينا الحسين مزارًا معروفًا إلى الآن (١٣٥٩ق) وإبراهيم هذا ابن محمد
لعابد وكان من أهل الفضل والزهد ورواة الأحاديث و يكنى في منقبه ما أورده شيخنا
أبو عبد الله المفيد في الإرشاد في ذكر أولاد الكاظم (عليه السلام)، ومحمد هذا قبره على
الصحيح بشيراز لا غيرها كما ذهب إليه بعض علماء الفن، وهو ابن الإمام الهمام أبي
إبراهيم موسى الكاظم (عليه السلام).

هذا ما وسعني المجال لذكره، وإن أمهلت الصروف واتسعت الظروف سوف أستخرج لهذه
الأسرة الكريمة مشجرةً مخصوصةً، والله الهادي.

كتبه العبد نسابة آل الرسول شهاب الدين المشتهر بالنجفي الحسيني الحسيني نزيل بلدة

ميراث

زندگى نامہ علامہ سید جعفر کشفی دارابی



قم، بأمر الشريف الأجلّ الأخ في الله التقي خليلي وصديقي وزميلي جناب السيد مهدي حفيد العلامة الكشفي المذكور في هذه المشجّرة. انتهى بعين عباراته^۱

تحصیلات

پدر علامه سید جعفر پس از چند سال اقامت در اصطهبانات، به همراه خانواده روانه داراب شد، اما در حدود سال ۱۱۹۶ق در حالی که سید جعفر ۷ سال بیشتر نداشت، وفات یافت و در کنار ضریح امامزاده سید ابوالقاسم داراب مدفون گردید. پس از آن مادر فاضله اش او را به اصطهبانات برد و تحصیلات مقدماتی را در آنجا به پایان رسانید. وی برای ادامه تحصیل پس از مرگ مادرش، رهسپار یزد شد و سه تا چهار سال در آن شهر اقامت داشت.

هجرت به نجف اشرف

در حدود سال ۱۲۰۸ق در سن ۱۹ سالگی راهی نجف اشرف گردید و در درس اساتید بزرگ آن روزگار به ویژه علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق) شرکت جست.

علامه کشفی در إجابة المضطّرين درباره استاد و محفل درس خویش می گوید:
در نجف اشرف در مجلس درس خود این کلام [عدم اختصاص درجه عصمت به انبیاء و ائمه] از این حقیر سرزد و [شاگردان] ساکت نشدند، تا آنکه جمعی شهادت دادند که جناب سید مرحوم أعنی الاستاد الأعظم و سناد الأقوم سید محمد مهدی بحرالعلوم (أعلى الله درجته) رأی شریفشان بر این بوده است. پس قبول کردند و ساکت شدند.^۲

هم چنین مرحوم سید روح الله کشفی (فرزند سید محمود بن مصفی بن علامه کشفی) در یکی از پاورقی های خود بر کتاب إجابة المضطّرين می نویسد:
گویند [سید جعفر] هنگامی که در نجف اشرف بوده، شبی خواب می بیند که

۱. این نامه را مرحوم آیه الله سید مهدی کشفی در دو صفحه چاپ کرده و برای سادات کشفی ارسال کرده بودند.

۲. إجابة المضطّرين، ص ۲۴۵.



مشرف خدمت مولی امیرالمؤمنین علیه السلام شده، حضرت می فرمایند جعفر فرزندم چه می خواهی؟ سه بار عرضه می دارد علم. زبان مبارکش را در دهانش می گذارد و می فرمایند بمک؛ چون بیدار می شود این اشعار را می سراید و در نزد استادش سید بحرالعلوم از آن روز محترم و معزز می گردد و از این رو هم ملقب به «کشفی» گردیده.

شاه شهان و ماه رخان عرب رسید

با قامتی چون نخل و لبی چون رطب رسید

گفتا که در بیند و بیا نوش جان ما

از کوثرم بنوش که نوشم به لب رسید

و ز لب گذشت و ریخت بگفتا که لب میند

کاین سر نهفته نیست ولی بوالعجب رسید

چون جان تازه یافت روان از لبان او

فیض مدام بی تعب و بی سبب رسید

این ملک سلطنت ز نجف گشت حاصلم

وین بخت روز بوده مرا نیمه شب رسید

با رنجها و زاری بسیار و با ادب

تا راحتی ز حضرت آن منتجب رسید

رنجی بکش بقدر که بی قدر و قیمت است

هر راحتی که آن به کسی بی تعب رسید

بی حرمت و ادب نرسد کس به هیچ جا

هر جا که کس رسیده ز راه ادب رسید

بی نسبت و نسب تو کجا می رسی به دوست

ای دوست کس به دوست ز راه نسب رسید^۱

وی بر اثر هوش سرشار و استعداد فراوان و نیز تاییدات ربّانی و ریاضات نفسانی بر

۱. همان، ص ۱۷۰. این اشعار زبان حال مرحوم علامه کشفی است که وی با اقتباس از شعر ملامحمدشیرین مغربی سروده است.





کرسی تدریس تکیه زد و رفته رفته به عنوان فقیهی اصولی و عارفی سالک و حکیمی آگاه به زمان شهره آفاق گردید.

سید کشفی از حدود سال ۱۲۰۸ تا ۱۲۳۱ به مدت ۲۳ سال در نجف اشرف به ادامه تدریس و تحصیل پرداخت و در این مدت فقط یکبار به زیارت مشهد الرضا علیه السلام در سال ۱۲۲۸ مشرف شد و در همین سفر کتاب *إجابة المضطرین* را نگاشت.

آخرین کتابی که علامه کشفی در نجف اشرف نگاشته *الرق المنشور فی معراج نبینا المنصور* است که تاریخ تألیف آن ۱۲۳۱ ق می باشد. وی در پایان این کتاب به فتنه معروف *زُقرت و شِمرت*^۱ در شهر نجف اشاره می کند.

بازگشت به ایران

زندگی او را بنا بر آثارش، باید از سال ۱۲۳۳ ق به بعد در ایران جستجو کنیم. بنا بر نقل مرحوم سید روح الله کشفی سبب بازگشت علامه کشفی به ایران همان فتنه‌ها و آشوب‌ها در عراق بوده است.^۲

وی زندگی خود را با سفرهای پیاپی به شهرهای اصفهان، یزد، اصطهبانات و بروجرد سپری می کرد.

میرزا حسن حسینی فسائی در این باره می نویسد:

موطن خود را در چهار جای قرار داد که در هر چند سال در یکی از آن‌ها دو سال توقف می نمود: اول شهر بروجرد، دوم شهر اصفهان، سیم شهر یزد، چهارم قصبه اصطهبانات؛ و چون وارد یکی از اماکن می گردید جماعتی از اهل علم برای استفاده و استفاضه مجتمع می شدند و به حسب ظاهر برگ کتابی نه در خانه نه در کتابخانه و نه در نزد خود نداشت و آنچه را می گفت از حفظ خاطر بود و بیشتر اوقات آیه‌ای از کلام الله مجید را عنوان

۱. *زُقرت و شِمرت* دو طائفه در نجف بودند که *زُقرت* در محله *عماره* و *حویش* و *شِمرت* در محله *مشراق* و *براق* سکنی داشتند. فتنه بین این دو طائفه در پی قتل شخصی به نام سید محمود رحباوی در حدود سال ۱۲۲۷ ق آغاز شد و تا سال ۱۳۲۰ ق ادامه داشت. تفصیل جریان را علامه سید محسن امین در *أعیان الشیعة*، ج ۴، ص ۱۰۲، نقل کرده است.

۲. مقدمه *إجابة المضطرین*، صفحه (ج)

می فرمود و آنچه متعلق به آن آیه بود به استدلالات عقلیه و نقلیه بیان می نمود.^۱

هم چنین نائب الصدر شیرازی می نویسد:

سه شهر و یک قصبه را مرکز قرار داد، چنانچه دو سال هر جا توقف می نمود: بروجرد،

اصفهان، یزد، اصطهبانات و عاقبت الامر در بروجرد روانش به عالم باقی شتافت.^۲

از لابلائی سخنانش در تحفة الملوک چنین برمی آید که قصد او از ساکن نشدن در یک

شهر، پرهیز از «مرجع و معروف» شدن در میان مردم بوده است.

علامه کشفی در فواید سفر نمودن می نویسد:

و مثل دور شدن از مخالطه اشخاصی که در وطن می باشند و معروف و مرجع

نگردیدن این کس در نزد ایشان که ابتلای به آن در این زمان ها - که اغراض مردمان

در اجتماع نمودن بر این کس همگی اغراض فاسده دنیویه است - و مرجع شدن

این کس از جمله محرمات و مهلکات نفس است، به خلاف حالت سفر و سیاحت

که چون که این کس در هرجایی در زمان قلیلی می باشد، پس مردمان بر آن اعتماد

نمی کنند؛ چون که مطالب ایشان امور دنیویه است که منوط به طول امل است و با

مکث نمودن این کس در اوقات قلیله در نزد ایشان منافات دارد.^۳

سرانجام با اصرار زیاد یکی از فرزندان فتحعلی شاه، یعنی محمد تقی میرزا که به

«حسام السلطنة» ملقب بود و حکومت بروجرد را بر عهده داشت، در بروجرد رحل اقامت

افکند و در همان شهر نیز بدرود حیات گفت و مدفون گردید. سید کشفی به درخواست

«حسام السلطنة» مهمترین و مفصل ترین آثار فقهی، کلامی و سیاسی خود یعنی «کفایة

الایتام»، «إجابة المضطربین»، «تحفة الملوک» و «میزان الملوک» را به رشته تحریر درآورد و

به آن دولت تقدیم کرد.

از نگاه دیگران

مؤلفین کتب تراجم و شرح احوال علما همگی علامه سید جعفر کشفی را به عظمت و

۱. فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۲۶۰.

۲. طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۴۵۵.

۳. تحفة الملوک، ص ۷۳۱.





فضیلت و عرفان و کرامت ستوده اند. ما در این مقال کلمات آنان را ذکر می‌کنیم.

(۱) رضا قلی خان هدایت (م ۱۲۸۸ق) می‌نویسد:

جناب فاضل کامل حاجی سید جعفر فارسی اصطهباناتی مشهور به دارابی، عالمی بود فاضل و فاضلی کامل و مدت‌ها در دارابجرد بزیست پس به بروجرد متوطن شد و به نشر علوم عقلی و نقلی پرداخت و مؤلفات نفیسه از او بماند.^۱

(۲) میرزا محمد تقی لسان الملک سپهر (م ۱۲۹۷ق) می‌نویسد:

آقا سید جعفر دارابی ملقب به «کشاف» است. آقا سید جعفر مردی از اجله علما بود و بیرون طریقت شیخ احمد احسائی و قانون صدرالدین شیرازی روشی داشت و در تفسیر قرآن مجید و تاویل احادیث با فقهای عصر خالی از بینونتگی نبود و بسیار وقت از وی مسموع می‌رفت که در فلان سفر با خضر علیه السلام همراه بودم و هفتاد بطن قرآن را کشف نمودم. علمای عصر از این کلمات معجب با او از در مبارات بیرون نمی‌شدند چه او را شیخوختی بنهایت و زهداتی بکمال و فضیلتی بسزا بود و کتب مؤلفات او در نزد فضلالی عصر مکانتی تمام داشت.^۲

(۳) میرزا محمد جعفر خورموجی (م ۱۳۰۱ق)، می‌نویسد:

آقا سید جعفر دارابی الملقب به کشاف است. مرحوم سید جعفر از جمله سادات و علما عظام بود و از اجله ارباب فضل و کمال.^۳

(۴) محمد علی آزاد کشمیری (م ۱۳۰۹ق)، می‌نویسد:

سید جعفر کشفی نجفی دارابی [۱۱۸۹-۱۲۶۷ هـ ق]: داراب مقامی است نزدیک شیراز. وی از فضلالی عالی‌مقدار و علمای با وقار و صاحب تصانیف بسیار بود. لا سیما در تفسیر عدیل نداشت. از تصانیف او کتابی است در آثار و اخبار عقل و جهل که به فارسی نوشته. و کتاب إجابة المضطرین به فارسی در مواعظ. دیگر منظومه‌ای در علم کلام. سید موصوف، طور شیخ احمد احسائی طریقه داشت اگرچه با شیخ

۱. تاریخ روضة الصفا ناصری، ج ۱۰، ص ۴۵۶.
۲. ناسخ التواریخ، ج ۳ از قاجاریه، ص ۳۳۷.
۳. حقائق الأخبار ناصری، ج ۱، ص ۸۵.

احمد معاند بود. وفات سید موصوف در حدود سنه ستین بعد المائتین و الألف اتفاق افتاد. قبرش در بروجرد است.^۱

(۵) محمد حسن خان اعتماد السلطنة (م ۱۳۱۳ق) می نویسد:

آقا سید جعفر دارابی مشهور به کشفی از اجله علماء جامعین ما بین علم و ایقان و ذوق و عرفان بود. در فن تفسیر نظیر نداشت. تحفة الملوک از تصنیفات آن زبده ارباب سیر و سلوک به طبع رسیده، و کرامات بسیار از وی مشهور است.^۲

(۶) حاج سید علی اصغر جاپلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ق) می نویسد:

السید السند والركن المعتمد المولى التمام الأستاذ القمقام السید جعفر الدارابی الفارسی أصلاً، البروجردی مسکناً ومدفنأ، كان عالماً فقیهاً بأحادیث أهل العصمة عليه السلام، مدرّساً فی علم التفسیر والأخبار، ماهراً فی متن اللغة.^۳

السید السدید و العالم الرشید سید السادة و قدوة القادة بحر العلوم الزاخرة ذو الكرامات الباهرة المنقطع عن الدنيا الفانية المتوجه إلى الدیار الباقية.^۴

و نیز در موضع دیگری از کتاب، سید کشفی را این گونه مدح می کند:

(۷) میرزا حسن حسینی فسائی (م ۱۳۱۶ق) می نویسد:

جناب مستطاب صدر امت، بدر ملت، طره ناصیه سیادت، غره جبهه سعادت، نبوی المآثر، علوی المفاخر، ناصب رایات ملت بیضا، ناصر آیات شریعت غرا، سالک مسالك شریعت و طریقت، واقف حقیقت، وارث مواریث صدیقین، واجد مواجد اهل کشف و یقین، منبع اسرار فرقان، مطلع انوار قرآن، جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، علامه اکبر: آقا سید جعفر مشهور [به] کشفی، والد ماجدش از داراب به اصطهبانات آمده، متوطن گردید و جناب معزی الیه در حدود سال ۱۱۸۰ و اند در این قصبه متولد گشته، نشو و نما نمود و در اوایل سن تمیز وارد نجف اشرف

۱. نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۴۴۵.

۲. المآثر و الآثار، ص ۱۵۶.

۳. طرائف المقال، ج ۱، ص ۵۵.

۴. همان، ج ۲، ص ۶۴۰.



گشته، مدت‌ها به ریاضات شاقه، مشغول گردید و ابواب مکاشفات را بر خود باز دید پس شروع در تألیف و تصنیف نمود و در هر علمی کتابی مرغوب نگاشت و شهره آفاق گردید و نسخه تألیفاتش بین الأنام مشهور است.^۱

۸) ملاعلی علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ق) می‌نویسد:

جعفر بن أبي إسحق، هو العالم الفاضل و النحرير الكامل، عمدة العظام و زبدة الفخام و أسوة الجهابذة الأعلام، كهف الأرامل و الأيتام و قدوة أهل النقض و الإبرام، سيّد السادات و منبع الكمالات و السعادات، صاحب كتاب التفسير الذي ليس له نظير بل هو كالأكسير، السيد جعفر الكشفي الدارابي، عمّر ثمان و سبعين سنة و توفي في سنة سبع و ستين و مأتين بعد الألف.^۲

۹) میرزا مهدی خان زعيم الدولة (م ۱۳۳۳ق) می‌نویسد:

السيد جعفر الدارابي الملقّب بالكشاف أو الكشفي أحد الفقهاء العاملين والعلماء المتراضين، وكان له رأى خاص في تفسير الآيات القرآنيّة والأحاديث النبويّة ينافي آراء فقهاء الأصوليين في استنباط الأحكام ورأى الشيخ أحمد الأحسائي في الفقه وحكمة الأئمة من آل البيت ورأى الملائد الدين الشيرازي في الحكمة الإلهيّة والفلسفة الإسلاميّة، ومن أشهر تأليفه كتاب سنابرق وكتاب تحفة الملوك.^۳

۱۰) میرزا ابوالحسن شريف اصطهباناتی معروف به «محقق العلماء» (م ۱۳۳۸ق) - نواده

دختری سيد كشفى - در الحصن الحصين في شرح البلد الأمين می‌نویسد:

جدي الأمد، سيدي الأوحّد، السراج الوهّاج، والبحر العجّاج، والنهر الشّجاج، والسحاب الهاطل، والمطر الوابل، والسيل الهامل، فخر العلماء الراسخين، مفخر الحكماء المتأهّين، قدوة المتقدّمين والمتأخّرين، أسوة العارفين على العلم واليقين، جامع مرتبتي العلم والسيادة، حائز منقبتي الحلم والسعادة، السند النبيل، والسيدّ الجليل، السيد جعفر المشهور بالنجفي الملقّب بالكشفي (رُوح الله روحه وأنار برهانه ونوره)... وأبو إسحاق أبوالمصنّف (قدّس سرّه) من السادات الجليّة من أهل داراب... والمصنّف (قدّس سرّه)

۱. فارسنامه ناصری، ج ۲، ص ۱۲۶۰.

۲. بهجه الآمال في شرح زبدة المقال، ج ۲، ص ۵۰۷.

۳. مفتاح باب الأبواب، ص ۲۶۷.

اسمه الشريف جعفر ومسقط رأسه بلدة اصطهبانات من معاريف بلاد فارس^۱.

(۱۱) فرصت الدوله شیرازی (م ۱۳۳۹ق) می نویسد:

جناب سید جعفر: معروف به کشفی؛ قدوه علماء عصر و زبده فضلاى دهر است. در اجتهاد و فتاوى، شهیر و در علم تفسیر و حدیث بی نظیر؛ کتاب تحفة الملوك که معروف است از تصنیفات آن جناب است و تصانیف دیگر نیز دارد. در سنه ۱۲۶۷ در بروجرد وفات یافته و همانجا مدفون است.^۲

(۱۲) ملاحیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ق)، می نویسد:

السید جعفر بن السید أبی إسحاق الکشفی، کان فاضلاً عارفاً لا نظیر له فی عصره عابداً صالحاً تقياً زاهداً منقطعاً عن الدنیا و زینتها. وله مصنفات کثیرة، منها: کتاب تحفة الملوك فی الأخلاق کتبه للشاهزاده محمدتقی میرزا و تاریخ فراغه منه سنة ۱۲۳۳، و منها: المنظومة فی علم الکلام.^۳

(۱۳) محمد معصوم نائب الصدر شیرازی (م ۱۳۴۴ ق) می نویسد:

السید السند و العالم المعتمد، منبع الأسرار و مطلع الأنوار، کشف الآیات و الأخبار، آقا سید جعفر الحسینی المشتهر بالکشفی الدارابی الإصطهباناتی. والد ماجدش از داراب رفع علایق نمود و به اصطهبانات متوطن گردید و در حدود سال هزار و صد و هشتاد و اند حضرت باری وی را به آن مولود مفتخر فرمود بعد از سن رشد و تمیز به نجف اشرف مشرف گشته پس از تکمیل علم رسمی مشغول به ریاضات و عبادات گردید ابواب مکاشفات بر دیده دلش گشوده گشت و بر مسند تعلیم و تعلم برنشست. و در ترجمه آیات قرآن مجید و معانی اخبار صعاب قیام نمود...؟

(۱۴) علامه سید محسن امین عاملی (م ۱۳۷۱ق)، می نویسد:

السید جعفر بن إسحاق الموسوی العلوی الدارابی المعروف بالکشفی، والد آقا ریحان الله

۱. الحصن الحصین فی شرح البلد الأمين (نسخه کتابخانه استاد سید حجت کشفی، شماره ۳۱)، ص ۳ و ۲۲.

۲. آثار عجم، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳. لباب الألقاب، ص ۱۲۶.

۴. طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۴۵۵.



توفی فی بروجرد فی حدود ۱۲۶۷. عالم فاضل مؤلف و فی الذریعة تارة قال ابن إسحاق و تارة ابن أبي إسحاق و نقل الثاني عن كتابه سنابرق...^۱

(۱۵) میرزا محمد علی مدرس تبریزی (م ۱۳۷۳ق)، می نویسد:

کشفی، سید جعفر بن ابی اسحاق، موسوی علوی، دارابی الأصل، بروجردی الموطن، کشفی الشهرة، از اجلاى علمای امامیه قرن سیزدهم هجرت می باشد که اصل ایشان از دارابجرد فارس و با صاحب جواهر سابق الذکر و سید محمد باقر حجّة الاسلام سالف الترجمة و نظائر ایشان معاصر بوده و عالمی است ادیب نحوی عارف فقیه اصولی محدث مفسر متکلم جلیل القدر و عظیم المنزلة، بالخصوص در حدیث و تفسیر بی نظیر و از تألیفات او است: إجابة المضطّرين فی اصول الدین...^۲

(۱۶) میرزا حسن نیکو بروجردی (م ۱۳۸۲ق)، می نویسد:

آقا سید جعفر کشفی که قبرش در بروجرد است و هنوز چراغ بر سر قبرش روشن می کنند و مؤلف تحفة الملوک مصوّر و سنابرق است، یکی از بزرگان علما اخباری بود. درجات زهد و تقوای او معروف و مشهور معمرین بروجرد است که والد نگارنده در ایام شباب او آخر عمرش را دریافته بود و از درجات تقوی و قدس او نقل می فرمود.^۳

(۱۷) علامه شیخ آقابزرگ تهرانی (م ۱۳۸۹ق) می نویسد:

السید جعفر الدارابی ۱۱۸۹-۱۲۶۷ق؛ هو السید جعفر بن أبي إسحاق العلوي الموسوي الدارابي البروجردي المعروف بالكشفي من أعظم علماء الامامية في هذا القرن. متبحر محقق و جامع متقن و مصنف جلیل. ولد في (۱۱۸۹) و نشأ على حب العلم فغاص بحاره و اقتحم لججه حتى جمع بين العلم و الايقان و الذوق و العرفان و أصبح أوحدياً من عباقرة الأمة و في الرعيل الأول من حاملي ألوية العلم و ناشري أحكام الدين و المرّوجين للشرع المطهر و هو من أعاجيب الزمان و أغاليط الدهر فقد كان وحيد عصره في فنون التفسير و العرفان.^۴

۱. أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۸۵.

۲. ريحانة الأدب، ج ۴، ص ۳۵۳.

۳. فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۱۱۸.

۴. طبقات أعلام الشيعة (الكرام البررة)، ج ۱، ص ۲۴۱.

تألیفات

علامه سید جعفر کشفی در اثر تبحر در بیشتر علوم کتب زیادی در علوم مختلف نوشته است و از تاریخ نگارش کتاب‌هایش معلوم می‌شود که فتره‌ای در تألیف نداشته و پیوسته از ابتدا تا انتهای عمر به نوشتن مشغول بوده است. آن چه از فهرست‌ها و نسخ خطی به یادگار مانده اش به دست آوردیم، از این قرار است:

۱. الشریقیة

الشریقیة اولین تألیف سید کشفی است که در ۲۲ سالگی در سال ۱۲۱۱ ق در نجف اشرف نگاشته است. وی در این سن نه تنها در نثر عربی مهارت داشته، بلکه در گفتن اشعار عربی آن هم در علوم مختلفه ید طولایی داشته است. الشریقیة منظومه‌ای با ۳۴۰ بیت در قواعد علم منطق است که مشتمل بر ده باب و یک خاتمه با عناوین «قانون» است. با مطلع:

و الحمد لله جمیع الأزمنة بسم الإله فتح کلّ الألسنة

و پایان:

والماتین ثم إحدى عشرة والختم فی الف ماضی من هجرة

این منظومه تاکنون چاپ نشده است. نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله نجفی مرعشی به شماره ۶۰۲۴ و ۱۳۹۶ و ۱۱۴۸۸ وجود دارد.

مرحوم سید احمد بن سلطانعلی ملقب به صدر الأفاضل اصطهباناتی (از نوادگان مرحوم سید علیخان کبیر شارح صحیفه سجادیه) شرحی علمی و ارزشمند بر آن با عنوان تجرید المیزان در سال ۱۳۳۵ ق نوشته است. این کتاب نیز تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن به شماره ۹۶۶۷ در کتابخانه مرحوم آیه الله نجفی مرعشی موجود است.

۲. الموجز اللطیف فی علم التصریف

منظومه‌ای با ۲۶۷ بیت در علم صرف که در نجف اشرف سروده شده است.

با مطلع:

أشکر من قد فلق الإصباحاً أحمد ربّاً صرّف الرياحا



و پایان:

ربّ العلی من البقاء انفراداً فأحمد الله الکریم الصمداً
وآله سادتنا الأعلام مصلياً على الرسول السامي

این منظومه تاکنون چاپ نشده است. نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله گلپایگانی به شماره ۱۶/۱۵۵ و کتابخانه وزیری به شماره ۳۳۱۱/۲ و کتابخانه حجة الاسلام والمسلمین سید جعفر (مهدی) عارف کشفی موجود است.

۳. البلد الامین فی اصول الدین

منظومه ای با ۴۹۶ بیت در علم کلام و اعتقادات است که در نجف اشرف سروده شده است.

با مطلع:

إنا فتحنا عقدة الكلام بسم القديم الملك العلام
و پایان:

مرقد سرّ الله آی الكبرى والختم فی غبری الغری الغرّاً

این منظومه تاکنون چاپ نشده است. نسخه های خطی آن در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۶۰۴، ۲۷۵۴، ۴۳۶۱ و... موجود است.

این منظومه دارای سه شرح می باشد:

الف) أصالة المؤمنین فی شرح بلد الامین، تألیف مرحوم سید صبغة الله کشفی فرزند علامه سید جعفر کشفی که در سال ۱۲۵۰ در زمان حیات مؤلف نگاشته است و در ابتدای آن برای اشتیاق دیدار والدش می نویسد:

فیقول صاحب التحریر القاصر عن التقرير صبغة الله بن جعفر الموسوي النجفي:
إنه قد وقّني الله تعالی برهة من الزمان النظر بعلم الأديان بشواهد السنن والكتاب
المسطور مما لا يسقط الميسور بالمعسور، فأحببت أن أمزج شرحاً لمنظومة الوالد
العلامة لدهره و الفريد لعصره استيناساً لوحشتي إياه إنما أشكو بيّ و حزني إلى الله
من شوق لقائه

میرزا شیخ علی

فصلنامه تخصصی کتابشناسی و نسخه شناسی
سال بیست و نهم / شماره ۱۱۱ / بهار ۱۴۰۲



این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه زندگی پور هند به شماره ۳۸ موجود است.^۱

لازم به ذکر است که مرحوم سید صبغة الله شرح دیگری بر البلد الأمين با عنوان عقائد الأصول فی أوامر الله والرسول در همان سال ۱۲۵۰ ق تألیف کرده اند. به نظر می آید این دو کتاب در واقع یک تألیف باشد که توسط مؤلف استنساخ و تصحیح و اضافه شده باشد. نسخه کتاب عقائد الأصول در کتابخانه جامعه جوادیه هند به شماره ۱۳۰ موجود است.^۲

ب) الحصن الحصین فی شرح البلد الأمين، تألیف مرحوم میرزا ابوالحسن شریف اصطهباناتی معروف به «محقق العلماء» (م ۱۳۳۸ ق) - نوه دختری سید کشفی - که در سال ۱۲۹۲ ق نگاشته است.

این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه ملک به شماره ۵۷۲۱ و شورا به شماره ۱۴۹۸۵ و ملی به شماره ۴۹۱۱ و وزیری به شماره ۴۳۵۹ و گلیایگانی به شماره ۷/۱۲۲ و حجت کشفی به شماره ۳۱ موجود است.

ج) شرح البلد الأمين، تألیف سید احمد بن سلطانعلی ملقب به صدر الأفاضل اصطهباناتی که در سال ۱۳۳۶ ق نگاشته است.

این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۳۶ موجود است.

۴. نخبه العقول فی علم الاصول

سید کشفی در این رساله به زبان عربی قواعد اصول فقه را به اختصار و با عناوین «نخبه» نوشته و کتاب را السبع المثانی لقب داده است. این اثر در سال ۱۲۱۲ ق در نجف تألیف شده و دارای یک مقدمه و پنج باب و یک خاتمه است.

این اثر در ضمن کتاب «التراث الشیعة الفقهی والأصولی (المختص بأصول الفقه)» به تحقیق آقای مهدی مهریزی به چاپ رسیده است. نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی

۱. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های زندگی پور، ص ۸۷.

۲. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامعه جوادیه، ص ۱۰۷.



به شماره‌های ۶۲۸۹، ۲۰۲۳، ۴۳۶۱ و ۳۶۴۵ موجود است. نسخه شماره ۳۶۴۵ به خط فرزند مؤلف مرحوم سید ریحان الله می‌باشد که در سال ۱۲۷۹ق در بروجرد استنساخ کرده است.

۵. الشرق و البرق

رساله‌ای در حسن و قبح عقلی و به زبان عربی، که در سال ۱۲۲۴ در نجف تألیف شده است. مؤلف بر این موضوع از طریق عقل - با عنوان «شرق» - و نقل - با عنوان «برق» - استدلال نموده است. این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۶۶۸۶، ۴۳۶۱، ۵۱۱۷ و کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۸۱۰۷ با خط بسیار زیبا موجود است.

۶. صید البحر

مؤلف در این اثر، درباره نکات علمی متفرقه با عناوین «صید» و نیز درباره برخی از مسایل اعتقادی، کلامی و فلسفی و شرح پاره‌ای از آیات و روایات و نکاتی از ادبیات، به بحث می‌پردازد. این رساله در سال ۱۲۲۵ق در نجف اشرف و به زبان عربی تألیف شده است.

سید کشفی در ابتدای این رساله اشاره به رؤیایی می‌کند و می‌نویسد:

ملتجئاً فی تحریرها یامامی امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) وأنا مجاورٌ عند قبره الشریف
لدى النجف يسرة الغري يمينة الحيرة في سنة خمس وعشرين بعد الألف وبعده الماتان
رائياً في المنام عيوناً وأنهاراً مختلفة متكثرة عدناً زلاًلاً وأنا أشرب منها بحيث لا يصلح
لتأويلها إلاّ تحریر هذا الديوان والحمد لله رب العالمين.

این رساله تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۳۸۳۷ و کتابخانه آستان قدس به شماره ۲۳۲۰۲ و کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۷۷۱ و ۵/۶۰۹ وجود دارد.

۷. اجابة المضطرين في بيان الاصول و فروع الدين (مقاله اول)

سید کشفی این کتاب را در موضوع اصول دین و به زبان فارسی در سفر خود به مشهد رضوی به درخواست محمدتقی میرزا حسام السلطنه آغاز و در اول ربیع الاول ۱۲۲۸ق در یکی از روستاهای یزد به پایان می‌برد.

میرزا کشفی

فصلنامه تخصصی کتابشناسی و نسخه‌شناسی
سال بیست و نهم / شماره ۱۱۱ / بهار ۱۴۰۲



این کتاب یکبار در سال ۱۳۰۶ق در هند به اهتمام حاج میرزا نصرالله واعظ اصفهانی و کتابت ابوطالب بن ملاعلی اکبر جهرمی و بار دیگر در سال ۱۳۷۷ق در ایران به اهتمام مرحوم سید روح الله کشفی به شکل سنگی چاپ شده است. اخیراً این کتاب با همّت بلند بنی عم گرام جناب آقای سیدحسن عارف کشفی و مقابله با چند نسخه خطی و استخراج آیات و روایات توسط انتشارات تحسین ما به زیور چاپ آراسته شده است. نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۳۰۱۰ و ۸۱۳۴ و کتابخانه آستان قدس به شماره ۲۰۲۳۱ به خط نستعلیق سید علی فرزند مؤلف موجود است.

۸. اجابة المضطرين في بيان الاصول و فروع الدين (مقاله دوم)

مؤلف قصد داشته است که کتاب اجابة المضطرين را در دو مقال - مقاله اول در اصول دین و مقاله دوم در فروع دین (فقه) - و یک خاتمه در تهذیب اخلاق و تزکیه نفوس بنویسد، مقاله اول را موفق می شود (که در شماره قبل توضیح آن گذشت)، اما مقاله دوم - که در موضوع فقه تمام استدلالی است - را تا پایان بحث میاه می نویسد، اما به تکمیل آن موفق نمی شود و در موضوع فقه کتاب کفایة الایتام را می نویسد. سید کشفی در مقدمه کتاب کفایة الایتام در این باره می نویسد:

مدتی سابق بر این اقدام به تحریر نمودن کتابی که مشتمل بر اصول و فروع دین باشد نموده و به «اجابة المضطرين» نامیده و یک جلد از آن که در بیان قسم اصول است و انجام رسیده و قدری از جلد و قسم دوم در صفحات تحریر ایضاً استنساخ یافته و از آن جای که فارسی و بنای آن بر استدلال تمام بود به طول و الی الآن به تعطیل انجامیده و در این اوقات خواهش فرمودند که در تحریر آن اقتصار به ذکر فتاوی محض و خالی از ذکر دلایل نموده شود...!

مقاله دوم اجابة المضطرين تاکنون چاپ نشده است و تنها یک نسخه خطی از آن در کتابخانه آقای سید جعفر (مهدی) عارف کشفی، به خط سید یحیی فرزند مؤلف موجود است که تاریخ کتابت آن ۱۲۴۱ق می باشد.

۱. کفایة الایتام، ج ۱، ص ۵۳.



۹. الرق المنشور في معراج نبينا المنصور

رساله ای در اثبات معراج جسمانی پیامبر به زبان عربی که در سال ۱۲۳۱ق در نجف اشرف نگاشته شده است. این رساله اخیراً (۱۴۰۱ش) با تصحیح اینجانب و جناب آقای طاهر عزیز وکیلی توسط انتشارات انصاریان منتشر شده است.

نسخه خطی آن به خط مؤلف در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۶۹۰ موجود است. کتاب دارای فهرست و یک مقدمه و ۱۶ فصل با عنوان «رق» می باشد. به جز فهرست که در آغاز رساله به زبان فارسی آمده همه مطالب رساله به زبان عربی است.

دوران نگارش رساله رُق منشور، همزمان با پیدایش شیخیه و بروز افکار و اعتقاداتشان می باشد. سید مهدی بن سید خلیل طبیب، معروف به شهرستانی (م ۱۳۱۸ق)، مؤلف کتاب المسطور فی شرح الرُق المنشور، علامه کشفی را تحت تأثیر شیخ احسانی و افکار شیخیه می داند. هم چنین فیلسوف فرانسوی هانری کربن نیز بر این باور است که سید کشفی پیوندی با مکتب شیخی دارد.^۱

اما مهمترین دلیل بر بطلان این مطلب تألیف کتاب الرُق المنشور است؛ چون یکی از معتقدات شیخیه نفی معراج جسمانی است و علامه کشفی کتاب الرُق المنشور را در ردّ اعتقادات شیخیه نگاشته است. مرحوم میرزا ابوالحسن محقق العلماء اصطهباناتی (م ۱۳۳۸ق) نوه دختر سید کشفی در کتاب سلسبیل به این نکته تصریح می کند و پس از نقل عبارات سید کشفی در رُق منشور، می نویسد: «غرض از این کلام تعریض به جناب شیخ احمد احساوی (طاب ثراه) است، چه آن شیخ جلیل تصحیح معراج جسمانی را بر خلاف این تحقیق فرموده...»^۲

هم چنین در چگونگی مسأله معاد هم دیدگاه سید کشفی با شیخ احسانی تفاوت داشته است. میرزا محمد تقی مامقانی در ناموس ناصری - که به شرح مناظره روحانیون تبریز با علی محمد باب می پردازد - به این مسأله اشاره کرده و می نویسد:

مرحوم والد [ملا محمد مامقانی] بعد از تغیرات و تغیر زیاد از این حرفای [حرفهای]

۱. تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۵۰۲.

۲. سلسبیل، ص ۴۰۷.



گزاف او [باب] فرمودند: خوب لوطی شیرازی! این دیگر چه منافقی و حقه بازی است، وقتی که اتباع شیخ احسائی از تو سؤال می‌کنند در جواب آنها می‌نویسی «احمد و کاظم صلوات الله علیهما» و چون سید یحیی پسر سید جعفر دارابی که پدرش در مسأله معاد با مرحوم شیخ احسائی مخالف است از تو سؤال می‌کند، در جواب آنها می‌نویسی که شیخ در مسأله معاد خبط کرده و صریحاً تکفیرش می‌کنی و می‌نویسی «و لقد أجاد السيد جعفر دارابي فيما كتب في سنابره المحيط بالمشارك و المغارب»، آن صلوات فرستادنت چیست و این تخطئه و تکفیرت چه؟ تو اگر آدم درستی هستی چرا در سر یک ریسمان نمی‌ایستی؟ سید سر به زیر انداخته جوابی نگفت.^۱

به همین جهت میرزا محمدتقی لسان الملک (م ۱۲۹۷ق) درباره سید کشفی می‌نویسد: «آقا سید جعفر دارابی ملقب به کشاف است. آقا سید جعفر مردی از اجله علما بود و بیرون طریقت شیخ احمد احسائی و قانون صدرالدین شیرازی روشی داشت»^۲ و هم چنین محمدعلی آزاد کشمیری (م ۱۳۰۹ق) می‌نویسد: «سید موصوف [سید جعفر کشفی] طور شیخ احمد احسائی طریقه داشت، اگر چه با شیخ احمد معاند بود.»^۳

کتاب الرق المنشور دارای شرحی با عنوان الكتاب المسطور في شرح الرق المنشور تألیف سید مهدی بن سید خلیل طبیب معروف به شهرستانی (م ۱۳۱۸ق) می‌باشد.

مؤلف الكتاب المسطور در مقدمه می‌نویسد:

فيقول العبد الذليل الراجي عفو ربه العزيز الرقيب مهدي بن خليل الحسيني الحائري المشتهر بالطيب، إني لما ظفرت بالرسالة الموسومة بـ «الرق المنشور لبيان معراج نبينا المنصور» التي قد وضعها السيد الأريب والفظن اللبيب الآتي ذكره عن قريب وقد ضمنها معاني وأسراراً وعرايس أبكاراً وجواهر فرائد وقلائد فرائد ومع ذلك كانت مهجورة لقلّة طلبها ومتروكة لغموض مطالبها فقلّ سالكها لصعوبة مسالكها فأحببت أن

۱. گفت و شنود سید علی محمد باب با روحانیون تبریز، ص ۵۴.

۲. ناسخ التواریخ، ج ۳ (از قاجاریه)، ص ۳۳۷.

۳. نجوم السماء، ج ۱، ص ۴۴۵.



أَوْشَحَهَا بِشَرْحٍ يُوَضِّحُ مَعَانِيهَا وَيَكْشِفُ أَسْرَارَهَا وَيَرْفَعُ السِّتْرَ عَنْ عَرَائِسِهَا وَأَبْكَارِهَا...
 وَسَمَّيْتَهُ بِـ «الْكِتَابِ الْمَسْطُورِ فِي شَرْحِ الرَّقِّ الْمَنْشُورِ».

این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه کاشف الغطاء نجف موجود است.

۱۰. قصیدیه سردابیه

یا قصیدیه نونیه؛ ردیه ای بر رباعی ابن حجر هیثمی است که در کتاب الصواعق المحرقة آن را درباره امام زمان نقل کرده است. دو بیت ابن حجر از این قرار است:

صَيَّرْتُمُوهُ بِزَعْمِكُمْ إِنْسَانًا مَا آنَ لِلسَّرْدَابِ أَنْ يَلِدَ الَّذِي
 ثَلَّثَمَ العِنْقَاءَ وَالغِيلَانَا فَعَلَى عَقُولِكُم العَفَا لِأَنْتُمْ

علمای شیعه مانند سید بحر العلوم (م ۱۲۱۲ق) و میرزای قمی (م ۱۲۳۱ق) و سید صدرالدین عاملی (م ۱۲۶۳ق) ردیه‌هایی بر آن به نظم نوشته اند. از نسخه استنساخ سید صبغة الله فرزند علامه کشفی - که در سال ۱۲۴۳ق در بروجرد نوشته است - استفاده می‌شود که اساتید سید کشفی در نجف اشرف از وی می‌خواهند تا جواب ابن حجر را به طریق نظم انشاء فرماید.^۱ از این رو تاریخ این سروده قبل از ۱۲۳۳ق - زمانی که سید کشفی در نجف بوده است - می‌باشد.

علامه سید جعفر کشفی نیز منظومه ای با نظم بدیع پاسخ او را در ۸۱ بیت داده است. این قصیده در مجله پژوهش‌های مهدوی، زمستان ۱۳۹۲، سال دوم، شماره ۷، ص ۹۳-۱۱۵ به کوشش آقای احمد رنجبری حیدر باغی با عنوان «شبهه ابن حجر درباره سرداب امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) و ردیه‌های منظوم آن» به چاپ رسیده است. اخیراً آیه الله سید جعفر حجت کشفی این قصیده را ترجمه و تفسیر و شرح کرده‌اند که ان شاء الله بزودی به چاپ می‌رسد.

نسخه خطی این قصیده در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۳۴۵ و کتابخانه آستان قدس

۱. نسخه الرق المنشور و قصیده سردابیه به خط سید صبغة الله، کتابخانه آستان قدس، شماره ۷۶۸۴، برگ ۴۵.



به شماره ۳۶۸۴۰ و ۷۶۸۴ (به خط سید صبغة الله فرزند مؤلف) و کتابخانه عارف کشفی به خط سید مصفی فرزند مؤلف موجود است.

۱۱. تحفة الملوك

این کتاب در موضوع حکمت عملی و به زبان فارسی در سال ۱۲۳۳ ق به درخواست حسام السلطنه، در دو جلد به رشته تحریر درآمده است و شامل سه طبّق و یک خاتمه است و هر طبق فصول متعددی با عنوان «تحفه» دارد. در طبّق اول، دیدگاه مؤلف درباره حقیقت عقل ذکر شده و در طبّق دوم کیفیت ارتباط و تعلق عقل به موجودات بحث می‌شود و طبّق سوم به خواص و آثار و علامات عقل اختصاص دارد. در خاتمه نیز دو علم «تدبیر منزل» و «سیاست مُدُن» مورد بررسی قرار گرفته است. این اثر ارزشمند در بردارنده بسیاری از آرای علامه کشفی در موضوعات مختلف حکمت اخلاق، فقه و عرفان و اعتقادات است.

کتاب تحفة الملوك سه بار در تهران و تبریز چاپ سنگی شده و در سال ۱۳۸۱ ش با تحقیق آقای عبدالوهاب فراتی در موسسه بوستان کتاب قم به زیور طبع آراسته شده است. این کتاب توسط یکی از شاگردان سید کشفی به نام باقر بن ابراهیم در ۱۰۵ ورق خلاصه شده است که نسخه خطی آن با عنوان منتخب تحفه در کتابخانه دانشگاه به شماره ۱۳۹۱ موجود است.^۱

۱۲. الشموس و العکوس

رساله ای مختصر به زبان عربی درباره تنزیه امام عَلَيْهِ السَّلَام از اکل حرام، با عناوینی مطابق اصطلاحات فلکی، مثل: «شمس، نور، نهار، کسوف و انجلاء» مؤلف در آغاز درباره علم امام، سپس از عظمت امام و ارتباط وی با عالم ملکوت سخن گفته است. تاریخ دقیق این اثر را نمی‌دانیم، اما قبل از سال ۱۲۳۶ ق تألیف شده است چون تاریخ استنساخ نسخه ای از این رساله به سال ۱۲۳۶ ق در کتابخانه آستان شاهچراغ به شماره ۲۳۹۷ موجود است.

۱. رک: الذریعة، ج ۲۲، ص ۳۸۲.



این کتاب تاکنون چاپ نشده است. نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۲۰۲۳ و ۶۶۸۶ موجود است.

۱۳. ترجمه التنبیهای العلیة

این کتاب ترجمه تحت اللفظی روان و توضیح عبارات کتاب التنبیهای العلیة معروف به أسرار الصلوة تألیف شهید ثانی است که به دستور محمدولی میرزا فرزند فتحعلی شاه نگاشته است. در تاریخ آمده است که وقتی محمدولی میرزا حاکم یزد بود، به دستور او بیش از ۵۰ جلد کتاب ترجمه شده است.^۱ این ترجمه به جزء ۴ صفحه مقدمه، زیر سطور عربی کتاب تنبیهای العلیة نوشته شده است. از تاریخ دقیق این تألیف اطلاع نداریم اما باید قبل از ۱۲۳۹ق تألیف شده باشد. چون در صفحه اول نسخه خطی کتاب، شخصی این گونه نوشته است: «این جلد کتاب مسمی به اسرار الصلوة که عالیجناب آقا سید جعفر نجفی در دارالعبادة یزد ترجمه کرده است... هجدهم شهر صفر المظفر ۱۲۳۹ق.»

این کتاب تاکنون چاپ نشده است. نسخه خطی آن در کتابخانه آستان قدس به شماره ۸۳۲۴ در ۱۱۰ ورق ۱۶ سطری موجود است.

۱۴. کفایة الایتام فی معرفة الاحکام

این اثر ارزشمند که مفصل ترین تألیف سید کشفی است، یک دوره کامل فقه نیمه استدلالی به زبان فارسی و برای استفاده عموم مردم در ۴ جلد می باشد که به تقاضای محمدتقی میرزا حسام السلطنه نگارش یافته است. مؤلف در سال ۱۲۳۵ق تألیف آن را آغاز نموده و در ۱۵ شعبان ۱۲۴۰ق به پایان رسیده است.

مؤلف در مقدمه این کتاب می نویسد:

تحریر آن به نحوی خواهد شد که فتوا از برای مقلدین و تبصره از برای متوسطین و تذکره برای مجتهدین بوده باشد.^۲

۱. اشرف التواریخ، ص ۲۲.

۲. کفایة الایتام، ج ۱، ص ۵۳.



سید کشفی مباحث این کتاب را در سه فن مطرح کرده است. فن اول: عبادات، فن دوم: مناکحات و معاملات و ایقاعات، فن سوم: مواریث و حدود و سیاسات. این کتاب اخیراً با تلاش شبانه‌روزی سه ساله بنی عم گرامی جناب آقای سید حسن عارف کشفی و مقابله با ۶ نسخه خطی توسط انتشارات تحسین ما به زیور طبع آراسته شده است. نسخه خطی آن به خط مؤلف در کتابخانه مجلس به شماره ۱۴۵۰۹، ۱۴۴۹۹، ۱۴۵۱۰ و کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۰۶۴ موجود است. در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۱۳۴۷ و ۱۴۱۸۵ - به خط محمد حسین بن محمد علی در سال ۱۲۴۰ ق، همزمان با پایان یافتن تألیف کتاب و به امر مؤلف - موجود است. هم چنین هر ۴ جلد کتاب کفایه در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۱۹ (ج ۴)، به خط سید مصطفی فرزند علامه، ۲۲ (ج ۳)، ۲۳ (ج ۲)، به خط شیخ جعفر بن شیخ احمد عرب عسیده، ۲۵ (ج ۱)، به خط سید مصطفی فرزند علامه) موجود است. در کتابخانه آستانه حضرت معصومه علیها السلام نیز نسخه‌ای از این کتاب در یک مجلد در ۱۲۱۵ صفحه بیست و نه سطری به خط شیخ جعفر بن شیخ احمد عرب عسیده موجود می‌باشد.

دو کتاب پیرامون کتاب کفایة الایتام نگاشته شده است:

الف) فتاوی کفایة الایتام؛ تألیف سید یحیی فرزند علامه سید جعفر کشفی است. وی در این رساله فتاوی کتاب کفایة الایتام فن عبادات را استخراج و از ذکر ادله احتراز کرده است تا استفاده آن برای عموم مردم آسان تر باشد. این کتاب همراه با کتاب کفایة الایتام چاپ شده است. نسخه خطی آن در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۹۹۸ در ۱۳۷ برگ موجود است.

ب) مصابیح الانوار؛ تألیف داود بن نجف بروجردی که برای دوستش میرزا محمد حسین کتاب کفایة الایتام را خلاصه کرده است. این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۶۳۲۴ وجود دارد.

۱۵. میزان الملوك و الطوائف و صراط المستقیم فی سلوك الخلائف

این اثر در سال ۱۲۴۶ ق و به زبان فارسی به درخواست حسام السلطنه نگارش یافته



است، میزان الملوک اثری در فقه سیاسی و اخلاقی است. این اثر از یک مقدمه و ده باب فراهم آمده و مؤلف طی این ده باب موضوعاتی همچون «عدالت، خلافت، سلطنت ملوک و کیفیت سلوک کارگزاران دولت، عالمان، اهل وعظ، قاضیان، صاحبان سرمایه و ثروت، کشاورزان، دهقانان، کاسبان، تاجران، و صاحبان حرفه و صنعت» را مورد بررسی قرار می دهد.

این کتاب در سال ۱۳۷۵ ش با تصحیح و تحقیق آقای عبدالوهاب فراتی به چاپ رسیده است. نسخه خطی آن در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۱۹۷۰ و ۵۷۷۵ و دیگر کتابخانه ها وجود دارد.

۱۶. سنابرق فی شرح البارق من الشرق

شرح مفصل و مهمی بر دعای رجبیه صادره از ناحیه مقدسه که در هر روز از رجب خوانده می شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ». این شرح دارای مطالب فلسفی و عرفانی بلندی می باشد و به درخواست صدر اعظم نوشته شده است. شروع تألیف آن اول ماه مبارک رمضان ۱۲۵۳ ق در یزد و ختم آن در همان سال در بروجرد در آخر ذی القعدة می باشد.

مرحوم سید روح الله کشفی درباره این کتاب می نویسد:

بدون هیچ گونه تعصبی می گویم: يتدقق العلم من جوانبه و تطفح الفضيلة و التحقيقات الأنيقة بين دفتيه اذا سمت فيه سرح اللحظ فلا تقف إلا على خزائن العلم والكنوز القيمة من اللطائف الغريبة والنكت العجبية يظهر منها طول باع مؤلفه العلام النحرير لم يهتد إليها أي لودعي غير مصنّفه الألعبي ولعمري ما أثنى درّه فلله درّه؛ کتابی که فقیر دارد شامل ۲۸۲ صفحه هر صفحه ۲۴ سطر، به خط نسخ ریز، به نظر بنده بهترین تألیفات جدّ امجد است.

این کتاب تاکنون چاپ نشده است، اما اخیراً آقای مهدی سلیمانی آشتیانی آن را تحقیق کرده و قرار است که عتبه مقدسه حسینی آن را به طبع برساند. نسخه خطی آن به خط مؤلف در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۱۸۹ موجود است.



۱۷. الرطب اليابس في الاجماع المتخالف المتعاكس

۱۸. جمع الشتات المتفرقة في الاجماع الحقة المحققة

مؤلف درباره این دو اثر در کتاب الشهب القابوس می نویسد:

قد كثر فيهم اجماعات متخالفة متعاكسة في كل بابٍ من أبواب الفقه والأحكام حتى من شخصٍ واحدٍ في مسألة واحدة وحكم واحد بحيث أنّ من كثرتها قد صَنَّفنا فيها كتاباً وسمّيناه بـ «الرطب اليابس في الإجماع المتخالف المتعاكس»، كما قد ألفنا في الإجماعات الحقة الغير المتعاكسة أيضاً كتاباً وسمّيناه بـ «جمع الشتات المتفرقة في الإجماعات الحقة المتحققة»^۱

متأسفانه نسخه‌ای از این دو کتاب موجود نیست.

۱۹. التنزيل في بيان معنى التأويل

مؤلف درباره این اثر در کتاب الشهب القابوس می نویسد:

التأويل المذموم في الآية هو تأويل اللفظ ومعناه وإرجاعه إلى ما يشبه رأيهم وزينغ قلوبهم ومعنى التأويل فيما نحن فيه وفي هذه المقامات والممدوح به أهله ووصفهم بالراسخين في العلم هو تأويل اللفظ ومعناه إلى معنى فردٍ آخر من معانيه وأفراده ومسمّياته أو إلى محكماته أو إلى أصله وجنسه، وقد صَنَّفنا في هذا رسالة سمّيناه بـ «التنزيل في بيان معنى التأويل»^۲.

متأسفانه نسخه‌ای از این کتاب موجود نیست.

۲۰. الشهب القابوس المكرّم و الأبواب القاموس المعظم

این کتاب پیرامون حقانیت مذهب تشیع و بطلان مذهب مخالفین اهل بیت (علیهم السلام) است و مشتمل بر مباحثی طولانی در معنی نفاق و اجماع و شوری و اینکه امامت از اصول دین است، با شواهدی از آیات و احادیث و رویدادهای تاریخی می باشد. مؤلف در آغاز، موضوع و فصول کتاب را این گونه ذکر می کند:

۱. الشهب القابوس، نسخه کتابخانه حجت کشفی، شماره ۳۸، ص ۷۱.

۲. الشهب القابوس، نسخه کتابخانه حجت کشفی، شماره ۳۸، ص ۴۱۹.



«هذا الكتاب الشريف، والتألف المنيف، الحاوي للآيات الشريفة والأخبار النبوية ﷺ، ولأحاديث الأئمة (صلوات الله وسلامه عليهم)، حجة قاطعة وبرهان ساطع، المسمى بـ «الشَّهْب القابوس».

أبواب هذا الكتاب وشهابه:

- باب في النفاق مع جميع ما يتعلَّق به ويتفرَّع عليه
- باب في الإجماع وجميع ما يتعلَّق به ويتفرَّع عليه
- باب في الشُّورى وجميع ما يتعلَّق به ويتفرَّع عليه
- باب في الرِّسالة والإمامة والدين والمذهب ووحدتهما وأنَّ الإمامة من أصول الدِّين ومن أقدم وأعظمها، وما يتعلَّق ويتفرَّع عليها إلى آخر الكتاب، وفيها: الآيات القرآنيَّة الواردة في شأن الأئمَّة ومسائله.
- ما سمعت قبل ذلك من خطاب خاطب، ولا كتبت في كتاب، ولا خطرت بخطر خاطر، ولا نالتها الأيدي القواصر.

مؤلف نگارش آن را در ۱۲۵۵ آغاز و در شعبان ۱۲۵۸ به پایان رسانده است. این کتاب تاکنون چاپ نشده است، البته تاپ نسخه خطی آن انجام شده وتصحيح و تحقيق آن باقى مانده است، اميد مى رود كه به نحو مناسبى به طبع برسد. نسخه خطی این کتاب به خط مؤلف به شماره ۶۹۷۷ در مجموعه نسخ خطی کتابخانه آية الله مرعشى نجفى وجود دارد.

۲۱. حاشیه بر مصباح الشريعة

سید کشفی کتاب مصباح الشريعة که منسوب به امام صادق عليه السلام است را استنساخ کرده، و بر آن حواشی ارزشمندی در موضوع تهذیب نفس و سیر وسلوک با استشهاد به آیات و روایات نگاشته است. در حواشی اشاره ای به کتاب سنابرق شده و لذا تاریخ تألیف آن باید بعد از ۱۲۵۳ ق باشد.

نسخه خطی آن در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۱۸۴ موجود است.

۲۲. تفسیر و معنی افعال و انکار نماز

رساله مختصری در ترجمه و توضیح اذان و اقامه و جملات نماز است که جهت استفادة



عموم مردم در ۹ صفحه نگاشته شده است. نسخه خطی این رساله به خط مؤلف در پایان جلد اول کتاب کفایة الایتام در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۲۵ و استنساخ آن به شماره ۵۷ موجود می باشد.

۲۳. تجوید

رساله مختصری در ۱۱ برگ درباره احکام ضروری تجوید است، این رساله و رساله قبل در یک جزوه توسط مرحوم سید جعفر بن مصفی بن علامه کشفی در سال ۱۳۰۰ق استنساخ شده است و لذا احتمال می رود از تألیفات علامه کشفی باشد. نسخه خطی این رساله در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۵۷ موجود است.

۲۴. شرح حدیث خلق الاسماء

در شرح حدیث معروف: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ إِسْمَاءً بِالْحُرُوفِ...»

۲۵. رساله فی التوحید

مرحوم سید روح الله کشفی احتمال داده است که این دو رساله ناتمام از مرحوم علامه سید جعفر کشفی باشد و دومی (رساله فی التوحید) تقریرات درس یکی از اساتید آن بزرگوار - که محتملاً سید بحر العلوم است - باشد. نسخه خطی آن در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۵۲ موجود است.

۲۵. اجوبة المسائل العویصة

در فهرست نسخه های خطی کتابخانه حجت کشفی به شماره ۵۲ ص ۵۹ به علامه سید جعفر کشفی نسبت داده شده است.

۲۶. زیدة البیان فی علم المعانی والبیان

در کتاب دلیل المخطوطات، ج ۱، ص ۴۶ به سید کشفی نسبت داده شده است.

۲۷. شرح قصیده عینیة حمیری

این کتاب تألیف اورنگ زیب فرزند محمد تقی میرزا حسام السلطنه از شاگردان علامه سید



جعفر کشفی است. وی در این کتاب بعد از هر بیت از اشعار سید حمیری، بیانات استادش سید کشفی در ترجمه و توضیح شعر را با عنوان «سید استاد می فرماید» نقل می کند. وی در مقدمه کتاب گوید:

العالم الأملی أستاذنا في الظاهر والباطن مولانا في الدين والدنيا الطهر الطاهر المطهر
السيد المعروف بالكشفي مولانا سيد جعفر (طاب ثراه) شرحي مختصر بر این قصیده
مرقوم فرموده اند و اکتفاء به تحت اللفظ نموده اند، چون زبان فارسی بیشتر اوقات
بهتر به فهم ابنای زمان است، آن بزرگوار رعایت این کار کرده... و تبرکاً و تیمناً معنی را
که سید فرموده اند در هر شعری ذکر می نمایم.

این کتاب تاکنون چاپ نشده است و نسخه خطی آن در کتابخانه مرعشی به شماره ۲۱۲۲ موجود است.

۲۸. تفسیر

مرحوم ملا علی علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ق) در کتاب بهجة الآمال کتاب تفسیری را به سید کشفی نسبت می دهد و می نویسد: «صاحب کتاب التفسیر الذی لیس له نظیر بل هو کالاکسیر»^۱ هم چنین مرحوم سید روح الله کشفی در مقدمه إجابة المضطربین، کتاب تفسیر را از جمله تألیفات سید کشفی ذکر می کند. اما هیچ اطلاعی از این کتاب و نسخه آن اکنون در دسترس نیست.

لازم به ذکر است از دیگر آثار سید کشفی استنساخ کتاب شرح الملخص في الهيئة تألیف موسی بن محمود قاضی زاده رومی - اثری نفیس در هیئت و ستاره شناسی - است. احتمال می رود که سید کشفی بر آن حواشی نگاشته باشد. نسخه این استنساخ نزد بنی عم گرامی آقای سید مهدی کشفیان ریحانی است.

شاگردان

علامه سید جعفر کشفی با این که در شهرهای مختلف ایران - یزد، اصفهان، اصطهبانات و بروجرد - در حال رفت و آمد بود، اما در هر کجا که وارد می شد حوزه درسی برقرار می کرد و در

۱. بهجة الآمال، ج ۲، ص ۵۰۷.



طول عمر مبارکش در نجف اشرف و بروجرد و سایر بلاد شاگردانی را تربیت کرد که نام برخی از آنها در کتب تراجم ذکر شده است. حجة الاسلام میرزا علی سلیمانی بروجردی مقاله‌ای درباره شاگردان علامه کشفی نگاشته اند^۱ که در این مقال از تحقیقات ایشان نیز استفاده شده است. در این بخش نام شاگردان علامه کشفی را بر اساس حروف الفبا ذکر می‌کنیم:

۱) اورنگ زیب میرزا (م ۱۲۸۷ق حدوداً)

فرزند محمد تقی میرزا حسام السلطنه و صاحب کتاب جمع الجوامع فی شرح المختصر النافع؛ بنا به گفته علامه شیخ آقابزرگ تهرانی وی در این کتاب برای هر یک از اساتیدش رمزی قرار داده است و از استادش علامه سید جعفر کشفی با عنوان «الاستاذ الکاشفی» نام می‌برد.^۲ مرحوم اورنگ زیب کتاب دیگری در شرح قصیده عینیه سید حمیری دارد، که همان طور که گفته شد در آن کتاب نیز بیانات سید کشفی در ترجمه و توضیح اشعار را ذکر کرده است.

۲) باقر بن ابراهیم

وی از شاگردان علامه کشفی است که کتاب تحفة الملوک استادش را خلاصه کرده است.^۳

۳) حسین بن محمدرضا حسینی بروجردی (م ۱۲۷۷ق)

صاحب کتاب معروف نخبة المقال و تفسیر الصراط المستقیم.

حاج سید علی اصغر جاپلقی بروجردی درباره شاگردی او نزد علامه سید جعفر کشفی در کتاب طرائف المقال می‌نویسد:

و [تلمذ] عند السید السدید و العالم الرشید سید السادة و قدوة القادة بحر العلوم الزاخرة

ذو الكرامات الباهرة المنقطع عن الدنيا الفانية المتوجه إلى الديار الباقية.^۴

وی در کتاب نخبة المقال نام استادش علامه سید جعفر کشفی را ذکر می‌کند و او

۱. این مقاله در مجله نقد فقه و حقوق چاپ شده و قرار است در کتاب نگین سلیمانی به چاپ برسد.

۲. طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۰، ص ۱۵۹.

۳. رک: الذريعة، ج ۲۲، ص ۳۸۲.

۴. طرائف المقال، ج ۲، ص ۶۴۰.



را در دو بیت با مطلع «سیدنا الأصفی الجلیل جعفر» - که در ابتدای این زندگی نامه ذکر شد - می ستاید.

(۴) ملاحسین بروجردی (م ۱۲۷۸ق)

حاج سید علی اصغر جاپلقلی او را از شاگردان تفسیر علامه کشفی در بروجرد ذکر کرده است.^۱

(۵) میرزا صالح بن ابراهیم لرستانی^۲

(۶) سید ضیاء الدین بن ابوالقاسم طباطبائی بروجردی (م ۱۲۹۴ق)^۳

(۷) شیخ عبدالحسین بن زین العابدین

وی چند کتاب از تألیفات سید کشفی را استنساخ کرده و بر آن حواشی نگاشته که دلالت بر نباهت و کمال اوست. شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره وی می نویسد:

الشیخ عبدالحسین بن زین العابدین، فاضلاً جلیلاً، رأیت بحظّه مجموعة من رسائل السید جعفر الکشفی... وله فی مواضع من هذه الرسائل حواش و شروح تدل علی نباهة و معرفة و کمال و یحتمل أن یكون من تلامذة الکشفی.^۴

(۸) ملا عبدالله بن نوروزعلی بروجردی

صاحب کتاب سرور الشیعه؛ وی از شاگردان علامه کشفی در بروجرد بوده است که کتاب میزان الملوک استادش را در ۱۲۴۷ق استنساخ کرده است.^۵

(۹) علی بن محمدرضا حسینی بروجردی (م ۱۲۹۲ق)

وی برادر مرحوم سید حسین بروجردی صاحب نخبه المقال است.^۶

۱. طرائف المقال، ج ۱، ص ۵۵.

۲. رک: تاریخ بروجرد، ص ۳۰۴.

۳. رک: تاریخ بروجرد، ص ۴۳۸.

۴. طبقات أعلام الشیعة، ج ۲، ص ۷۱۱.

۵. رک: تاریخ بروجرد، ص ۲۶۰.

۶. رک: تاریخ بروجرد، ص ۴۳۵.



۱۰) سید علی گلپایگانی^۱

۱۱) ملافتحعلی سلطان آبادی (م ۱۳۱۸ق)

مرحوم سید حسن صدر در کتاب تکمله أمل الأمل وی را در تفسیر شاگرد علامه سید جعفر کشفی می‌داند و می‌نویسد: وكان تلمذ في التفسير على السيد جعفر الدارابي الشهير بالكشفي^۲.

مرحوم ملافتحعلی سلطان آبادی در بیان نکات دقیق از آیات قرآن و روایات و بیان تاویلات گوناگون بی نظیر بوده است و در این باره از وی حکایاتی نقل شده است. مرحوم آیه الله العظمی حکیم در کتاب حقائق الاصول در بحث استعمال لفظ در اکثر از یک معنی، داستانی از مرحوم آخوند ملافتحعلی نقل می‌کند که بسیار جالب و خواندنی است و گواه بر مقام بلند علمی آن بزرگوار و هم چنین استاد تفسیرش علامه سید جعفر کشفی می‌باشد:

حدث بعض الأعاظم (دام تأييده) أنه حضر يوماً منزل الآخوند (ملافتح علي (قدس سره)) مع جماعة من الأعيان، منهم السيد إسماعيل الصدر (رحمة الله عليه) والحاج النوري صاحب المستدرك (رحمة الله عليه) و السيد حسن الصدر (دام ظله) فتلا الآخوند (رحمة الله عليه) قوله تعالى: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ...﴾^۳ الآية ثم شرع في تفسير قوله تعالى فيها: <حَبَّبَ إِلَيْكُمْ...> الآية و بعد بيان طویل فسرها بمعنى لما سمعوه منه استوضحوه و استغربوا من عدم انتقالهم إليه قبل بيانه لهم، فحضروا عنده في اليوم الثاني ففسرها بمعنى آخر غير الأول فاستوضحوه أيضاً و تعجبوا من عدم انتقالهم إليه قبل بيانه، ثم حضروا عنده في اليوم الثالث فكان مثل ما كان في اليومين الأولين و لم يزالوا على هذه الحال كلما حضروا عنده يوماً ذكر لها معنى إلى ما يقرب من ثلاثين يوماً فذكر لها ما يقرب من ثلاثين معنى و كلما سمعوا منه معنى استوضحوه، و قد نقل الثقات لهذا المفسر كرامات (قدس الله روحه).^۴

۱. رک: تاریخ بروجرد، ص ۵۸۸.

۲. تکمله أمل الأمل، ج ۴، ص ۱۹۵.

۳. سوره حجرات، آیه ۷.

۴. حقائق الاصول؛ ج ۱؛ ص ۹۵



۱۲) حاج آقا محسن عراقی سلطان آبادی (م ۱۳۲۴ق)

وی در بروجرد نزد سید کشفی تفسیر را تلمذ کرده است.^۱

۱۳) ملا محسن بن عبدالرضا بروجردی (م ۱۳۰۳ق)

صاحب کتاب مشکاة الأنوار و مجمع المطالب و منتهی المآرب در تفسیر قرآن کریم؛ سید حسن امین در مستدرکات أعیان الشیعة او را از شاگردان علامه کشفی در بروجرد ذکر کرده است.^۲

۱۴) حکیم شهاب الدین محمد بن موسی کميجانی عراقی (م ۱۳۱۳ق)

صاحب کتاب نور الصدر و الرسالة الإفتاحیه در شرح دعای افتتاح؛ وی در رابطه با شاگردیش از محضر علامه سید جعفر کشفی می نویسد:

عنفوان جوانی را خدمت والد ماجد به تکمیل علوم ادبیه و تحصیل فنون قواعد مسائل دینیّه مصروف می داشتم تا آنکه در سنه سیّم از تکلیف که سال ۱۲۶۳ از هجرت بود، به مضمون آیه کریمه <كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ> کوکب عمرش افول و اضافه و ملکیتش از اموال و اولاد معزول شد. عوام تمنای استخلاف در ریاست و قضاوت را از این فقیر بی بضاعت به نهایت رسانیدند؛ لا جرم اجابت نمود. مدت دو سال در اشتغال آن وبال، کمال ملال یافت و چون ریاست خالی از دانشمندی و کیاست را مطلوب خویش نمی دید، ناچار در لیل و نهار مصاحب ناله زاری بود و علی الدوام در کمال تشویش ملامت خویش می نمود... تا آن که متوسّل به انوار حضرات ائمه اطهار علیهم السلام شده، موفّق به تدارک عمل امّ داود گردیدم، مقصود بر آمد... در همان ایام از آن گرفتاری نجات یافته، به طلب ارباب دانش و بینش به هر مرز و بومی پویا و جویا بودم،

به هر گل می رسد می بوید این دل نمی دانم که را می جوید این دل

تا آن که در دار السرور بروجرد به خدمت سیّد کشفی (اعلی الله درجاته) رسیده،

۱. رک: أعیان الشیعة، ج ۹، ص ۴۵.

۲. رک: مستدرکات أعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۹۱؛ تاریخ بروجرد، ص ۴۶۳.



دو سال مجاور خدمتش بودم. بویی از علم حقیقت به مشام جاّم رسید، آن بزرگوار عازم دار قرار گردیده، حیات عالم فانی را بدرود فرمودند؛ فقیر را جوشش عشق به اضطراب و بی سامانی در آورد!

۱۵) ملا محمود بن جعفر عراقی میثمی (م ۱۳۰۸ق)

صاحب کتاب دار السلام؛ وی در این کتاب از استادش علامه کشفی با عنوان «سید جلیل کشفی آقا سید جعفر دارابی» حکایتی را نقل می‌کند و می‌نویسد:

از بعض مشایخ خود یعنی سید جلیل کشفی آقا سید جعفر دارابی شنیدم و آن این است که روزی در اثنای کلام خود، در مدح ارباب توکل و قدح حریصان فرمود: وقتی به سفر خراسان می‌رفتم اتفاقاً در یکی از منازل خربزه فراوان و ارزان بود. من به ملاحظه منازل دیگر پولی دادم که خربزه بیاورند، و آنقدر آوردند که تا وقت حرکت زوار هر قدر بخواستیم بخوردیم و باز بسیاری از آن بماند. ما هم سوار شدیم و آنها را در مکان خود گذاشتیم. اتفاقاً شخصی از همراهان برخورد و آن خربزه‌ها را در آن مکان دید و از سبب بی‌اعتنایی به آنها پرسید. گفتم: آن قدر که نصیب امروز بود خوردیم. فردا هم اگر نصیب و روزی باشد از این یا غیر آن خواهیم خورد ان شاء الله و الاّ زحمت حمل آنها باعنی ندارد.

چون این سخن بشنید سر خود را بجنبانید و بر ما بخندید و پیاده گردید و آن خربزه‌ها را با زحمت تمام در خورجین خود گنجانید. پس جلو یا بوی خود را گرفته، پیاده روانه گردید و آن را یدک کشید در تمام مسافت آن منزل یا اکثر آن، زیرا سواری به سبب سنگینی بار یا بو، یا آنکه ناهمواری پشت آن به جهت خربزه، یا آنکه چون باعث فساد آنها می‌گردید، صلاح ندید. و بالجمله پس از ورود به منزل، چند دانه از آن خربزه‌ها با خود آورد و به نزد ما گذاشت و گفت: این حصّه شما است از آن خربزه‌ها. گفتم: آری، اگر نصیب ما نمی‌بود بدون زحمت با ما نمی‌آمد. شعر:

رزق را روزی رسان پر می‌دهد بی‌مگس هرگز نماند عنکبوت^۲

۱. نور الصدرة، ص ۸۹-۹۰.

۲. دار السلام در احوالات حضرت مهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۷۸۳.





فرزندان

از ویژگی‌های علامه کشفی کثرت عیال و اولاد است. وی در هر کدام از پنج شهری که سکونت داشت عیالی نیز اختیار کرده بود و در پی آن دارای ۱۲ پسر و ۶ دختر شد و یکی از خاندان‌های علمی شیعه شکل گرفت. مرحوم سید حسن امین در این باره می‌نویسد:

و آل الکشفي من أشهر الأسر العلمية البارزة في كل من بروجرد و كربلاء و طهران و تبريز. أصلهم من بروجرد و قد سكنوا كربلاء في أوائل القرن الثالث عشر للهجرة نبع فيهم علماء أعلام و حکماء متاهلون. و مؤسس كيان هذا البيت المجليل السيد جعفر العلوي الموسوي الدارابي البروجردی المعروف بالكشفي المولود سنة ۱۱۸۹ و المتوفى سنة ۱۳۶۷ وهو من أكابر العلماء و قد خلف اثني عشر ولداً من عدة زوجات^۱.

برخی از فرزندان او به درجات بالایی از علم و کمال و فقاہت رسیدند. در نوادگان و ذریه سید کشفی نیز از اهل علم و فضل و از سوی دیگر شعر، هنر و خطاطی زیاد هستند که ذکر آنان در این مختصر جای ندارد. بنی عم گرامی آقای سید حسن عارف کشفی کتابی با عنوان تبارماندگار درباره نوادگان و ذریه سید کشفی، همراه با مشجرات و اسناد و تصاویر آنان تألیف نموده است. ما در این جا به ذکر مختصری از زندگی فرزندان سید کشفی اکتفا می‌کنیم.

• همسر اول علامه کشفی، فاطمه خانم فرزند حاج عبدالکریم بود که در نجف با وی ازدواج کرد. خداوند چهار فرزند به ایشان عطا فرمود:

۱) سید اسحاق

وی از علما و فضلا تهران بوده و در مسجد صاحب دیوان امام جماعت بوده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی درباره او می‌نویسد:

السيد إسحاق بن السيد جعفر بن أبي إسحاق العلوي الدارابي البروجردی؛ عالم جلیل. كان من أجلاء طهران، و أفاضلها الأعلام و وجهائها الأشراف، و كان إمام الجماعة في مسجد صاحب الديوان إلى أن توفى^۲.

۱. مستدرکات أعيان الشيعة، ج ۶، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۲. طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۰، ص ۱۲۲.

۲) سید یعقوب

وی از علما بروجرد بوده که بعد از پدرش کرسی تدریس داشته است. شیخ آقابزرگ تهرانی کتاب *أرجوزة في المنطق* را از تألیفات او ذکر کرده است. وی در مقبره والدش در بروجرد، مسجد دوخواهران مدفون است.^۱

۳) سید صبغة الله (۱۲۱۸-۱۲۸۵ ق)

وی از فقها و مفسرین بزرگ و از شاگردان صاحب جواهر و شیخ انصاری بوده که از هر دو مجاز به اجازه اجتهاد مطلق است.^۲ از تألیفاتش کتاب *بصائر الإيمان في تفسير القرآن* و *مفاتيح الكلام شرح درة سید بحر العلوم* می باشد. وی سفرهایی به هند داشته، اما سرانجام در کربلا دفن شده است. سرگذشتش به تفصیل در کتب تراجم ذکر گردیده است.^۳

۴) سیده حوراء (همسر میرزا سید ابراهیم از سادات نور بخش بروجرد)

• همسر دوم علامه کشفی بانویی اصفهانی بوده است که خداوند دو پسر و یک دختر به ایشان عنایت فرمود:

۵) سید سینا (م ۱۳۲۵ ق)

وی از علما و مفسرین بزرگ و ساکن شهر اصفهان بوده است. شیخ آقا بزرگ تهرانی در وصف وی می نویسد:

السید سیناء البروجردی عالم جامع و فاضل ضلیع، من أفاضل العلماء و أعلام أهل الفضل، و من مشاهیر رجال أسترته و البارزین فیها، فقد کان جامعاً ماهراً و متفنناً متقناً فی جملة من العلوم الاسلامیة، و کان له تخصص فی التفسیر و علوم القرآن و براعة فائقة فیهما.^۴

کتاب تألیفی از او باقی نمانده است. اما دو استنساخ با خط زیبایی از وی موجود

۱. رک: *الکرام البررة*، ج ۳، ص ۶۳۴؛ *الذریعة*، ج ۱، ص ۵۰۰ و ج ۱۴، ص ۲۳۴.

۲. رک: *مشکوة العباد*، ص ۱.

۳. رک: *الکرام البررة*، ج ۲، ص ۶۶۶؛ *أعیان الشیعة*، ج ۷، ص ۳۸۳؛ *مستدرکات أعیان الشیعة*، ج ۶، ص ۱۸۱.

۴. *نقباء البشر*، ج ۲، ص ۸۳۴.





است. استنساخ کتاب خلاصة البيان في حل مشكلات القرآن تأليف شيخ محمد تقی هروی (فهرست نسخ خطی مجلس، ج ۳۵، ص ۶۸) و استنساخ کتاب سُور منتخبه من التوراة (فهرست کتابخانه حجت کشفی، ص ۵۹، شماره ۵۲). از شاگردانش در تفسیر مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی اصفهانی است. مدفن ایشان در تخت فولاد اصفهان در بقعه میرفندرسکی است.^۲

۶) سید عیسی

۷) سیده زلیخا بیگم

• همسر سوم علامه کشفی، مریم خانم اهل مهریز یزد بوده است. در رساله شجره طیبه - که درباره ذکر اولاد و اولادزاده‌های سید کشفی است - آمده است: «مرحوم سید کشفی (اعلی الله مقامه) در سفری به شهر یزد، یکی از اعظام که اهل مهریز یزد بوده دو دختر داشته، آن دو دختر را می‌آورد نزد ایشان و عرض می‌کند هر کدام از این دو دختر می‌خواهید به عنوان کنیزی پیشکش کنم و ایشان بدون سابقه از اسم آن دختران، استخاره از قرآن می‌نمایند. این آیه می‌آید که: ﴿يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي.. الخ﴾^۳، حضرت آقا فرموده بودند: هر کدام از دو دختر مریم نام دارد بنشینند و دیگری برود. بالاخره آن دختری که مریم نام داشته برای خود عقد می‌فرماید» خداوند سه پسر و یک دختر از این خانم به ایشان کرامت می‌فرماید:

۸) سید یحیی (۱۲۲۶-۱۲۶۶ق)

وی از جمله فرزندان فاضل سید کشفی است. سید یحیی خطیبی توانمند و صاحب خطی زیبا بوده است. از تألیفات او فتاوی کفایة الایتام و جُنگ شعراست. مورّخین او را از دعاة باییه ذکر کرده و رهبری فتنه باییه در نیریز را - که منجر به قتل او شد - از او دانسته‌اند.^۴

۱. نشان از بی نشان‌ها، ج ۱، ص ۱۷.

۲. رک: دانشنامه تخت فولاد اصفهان، ج ۳، ص ۵۴۱.

۳. سوره آل عمران، آیه ۴۳.

۴. رک: تاریخ روضة الصفاء ناصری، ج ۱۰، ص ۴۵۶؛ ناسخ التواریخ، ج ۳ (از قاجاریه)، ص ۳۳۷؛ حقائق الاخبار ناصری، ج ۱، ص ۸۵؛ مفتاح باب الأبواب، ص ۲۶۷؛ فلسفه نیکو، ج ۳، ص ۱۱۸.

۹) سید علی

در رساله شجره طیبه از او با عنوان «مجتهد واعظ پیشنماز» یاد شده است که نشان دهنده موقعیت علمی و اجتماعی او بوده است، اما متأسفانه از ایشان اطلاعاتی به دست نیامد. وی دارای خط زیبایی بوده و کتاب إجابة المضطربین را با خط نستعلیق استنساخ کرده است.

۱۰) سید حسن

۱۱) سیده فاطمه بیگم

• همسر چهارم علامه کشفی، بتول خانم دختر آخوند ملا محمد جواد اصطهباناتی، فرزند آخوند ملا محمد باقر اصطهباناتی بوده است. خداوند سه دختر و یک پسر از این خانم به ایشان عنایت فرمود:

۱۲) سیده بی بی بیگم جان (همسر حاج اسماعیل لاری)

ایشان والده مرحوم آیه الله میرزا ابوالحسن محقق العلماء اصطهباناتی (م ۱۳۳۸ق) است.

۱۳) سیده بی بی سلطان بیگم (همسر آقا میر مرشد)

۱۴) سیده بی بی مریم بیگم (همسر حاج میرزا محمد باقر واعظ اصطهباناتی معروف به سلطان الواعظین)

۱۵) سید مصفی (۱۲۴۹-۱۳۰۶ق)

از فرزندان فاضل و هنرمند سید کشفی است که در اصطهبانات ولارساکن بوده است. بیشتر آثار علامه کشفی با خط زیبای ایشان استنساخ شده است. حواشی سید مصفی بر آثار فقهی، نشان از فضل و دانش آن مرحوم دارد. وی در تاریخ ۲۶ جمادی الأولى ۱۳۰۶ در خطه لار رحلت فرمود. مدفنش در امامزاده لار قرار دارد.

• همسر پنجم علامه کشفی بانویی بروجردی بوده است که خداوند سه پسر به ایشان عنایت فرمود:



۱۶) سید موسی

۱۷) سید روح الله (م ۱۲۸۸ق)

از دیگر فرزندان فاضل سید کشفی است. وی به تبریز مهاجرت کرد و صاحب محراب و منبر شد و در همان شهر درگذشت و در مقبره پیر در شهر تبریز در سر راه بازارچه نوبر به میدان مقصودیه به خاک سپرده شد. مندرجات کتیبه‌ای که در آن مقبره است چنین است: هو الباقي، قد توفّي السيّد الجليل والسند النبيل، المهذب الأصيل، ذو الفخر الجلي، القدر الرفيع العلي، نجم السماء السيادة، بدر فلک الرئاسة، السيّد السند الولاية، التقي الموحد و غرق بحار رحمة الله، السيّد روح الله، ابن سيّد السند الأوحد الأجد، فخر المحققين و قدوة العارفين، غوث المسلمين و غياث الملّة و الدين، شارح رموز الأخبار، فاتح كنوز الأسرار، رافع رايات المعارف، كاشف آيات الصحائف، فاني فناء الله و جنّات كبريائه، مخزن سرّ الصمداني، معدن علم الرباني، السيد جعفر الموسوي الدارابي (ألبسهما الله جلايب الغفران في دار القرب و الجنان) في ثالث و العشرين من جمادي الأولى في سنة ۱۲۸۸.

در حاشیه کتیبه نیز اشعار ذیل آمده است:

أقام روح الله في الخلد العلم	تحت لوى الأجداد سادة الأمم
قل يا صبا بجعفر دارابي	إبنك قد مات وقد مات الكرم
صدر يعزيك بتاريخ أتى:	«رَوْحٌ فَرِحَانٌ فَجَنَّتْ النعم» (۱۲۸۸)

۱۸) سید ریحان الله (۱۲۶۲-۱۳۲۸ق)

سید حسین ملقب به سید ریحان الله از مراجع تقلید و علمای بزرگ تهران و از شاگردان آیات عظام: شیخ انصاری، میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و دارای کتابخانه‌ای عظیم و موقعیتی عالی در تهران بود. شیخ آقا بزرگ تهرانی در وصف وی می‌نویسد: و كان فقيهاً متبحراً و اصولياً متضلّعاً و رجالياً خبيراً و محدثاً بارعاً و مفسراً فاضلاً خبر كل هذه العلوم فكان ذا اطلاع واسع و احاطة تامّة بها، لا سيما الفقه و الرجال و فنون علم الحديث، و كان خطيباً موهوباً له فيها يد طولی بحيث يرغب في منبره عامة

۱. آثار باستانی آذربایجان، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷.



الناس و يحضره كثيرٌ من الفضلاء، و كان متشرعاً صلباً كثير الورع و الصلاح و النسك و العبادة، و بالجملة فقد كان جامعاً للفضائل و الفواضل و السجايا الحميدة، رجع اليه الناس في التقليد و طبعت رسالته العملية، و كان في أواخر ايامه من أكبر زعماء الدين و أجلهم في طهران^١

از آثار اوست: الشموس الطالعة (شرح زیارت جامعه)، فواكه الفقهاء (در فقه) و ريحان القلوب (در اخلاق). وی در ۲۸ جمادی الاولی ۱۳۲۸ ق وفات یافت و در حرم حضرت معصومه به خاک سپرده شد.^۲

وفات

علامه کشفی که عمری را زاهدانه و با دوری از مظاهر دنیا و در سفرهای پی در پی سپری کرده بود، اواخر عمر اشتیاقش را به عالم برزخ و لقاء الله بیشتر ذکر می کرد و این از آثارش هویدا است. وی در آخر کتاب سنابرق می نویسد:

و قد كان الفراغ منه و الختام في محروسة بروجرد في آخر ذى القعدة المحرام... من آخر سنة ثلاث و خمسين بعد المائة الثانية من المائين بعد الألف الأول من هجرة سيد المرسلين و خاتم النبيين... و قد بلغت فيهما من العمر الستين و ازددت أربعاً أو خمساً من السنين، و لذلك لارغبة و لارجاء لي في العمر بعد ذلك، بل أرجو و أتمني الرحيل إلى المثوى و الدار البقاء و خير اللقاء. گویند سید کشفی پس از ولادت فرزندش سید روح الله ارتحالش از این دنیا را پیش بینی کرده بود. اعتماد السلطنة در المآثر و الآثار در ترجمه سید ریحان الله می نویسد:

از جناب آقا مرتضی برادرزاده مشار الیه مسموع افتاد که می گفت جد بزرگوارم سید کشفی را در اواخر امر و خواتم عمر فرزندی نرینه آمد، تسمیه را علی عادت قرآن بگشود این کریمه اول ما یُری بود ﴿فَرَوْحٌ وَرِيحَانٌ وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ﴾^۳ فرمود نام این پسر روح الله است بفتح الراء و حق تعالی مرا پسری دیگر نیز خواهد عطا فرمود نام او ریحان الله

۱. طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۴، ص ۷۹۰-۷۹۱.

۲. رک: أعيان الشيعة، ج ۷، ص ۴۰؛ مستدرکات أعيان الشيعة، ج ۶، ص ۱۷۳؛ نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۹۰؛ المآثر و الآثار، ص ۱۵۶.

۳. سوره واقعه، آیه ۸۹.



است و از پی این پسر عمر من بسر خواهد رسید و قضاء راهم چنین شد که استکشاف کرده و خبر داده بود.^۱

سرانجام آن فقیه مفسر پس از عمری تلاش در راه تحصیل معارف و تدریس و تألیف در شب دوشنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۲۶۷ق (۳ فروردین ۱۲۳۰ش)، در ۷۸ سالگی چشم از جهان فروبست و پیکرش در بروجرد محله صوفیان (خیابان شریعتی کنونی) جنب مسجدی به نام مسجد دوخواهران به خاک سپرده شد و اکنون مزارش مورد احترام عموم مردم است.

حاج محمود بن حاج نجف بروجردی در ضمن قصیده‌ای طولانی درباره سید کشفی و تألیفاتش، در وصف مزار او گوید:

سمی جعفر صادق سحاب فضل و فطن

سپهر مجد و معالی جهان عزّ و وقار

کنون به خاک بروجرد رشک دارد عرش

که گشته مضجع آن مفخر اولوالأبصار

چند ماده تاریخ برای وفات سید کشفی ذکر شده است:

سید حسین بروجردی صاحب نخبة المقال «غاب نجم العلم» = ۱۲۶۷ را به عنوان ماده تاریخ وفات سید کشفی ذکر کرده است.

هم چنین سید مصفی فرزند سید کشفی در پایان جلد دوم کتاب کفایة الأیتام (موجود در کتابخانه حجت کشفی به شماره ۲۳) پنج ماده تاریخ برای وفات مرحوم علامه کشفی انشاء فرموده است:

(۱) نور اعظم = ۱۲۶۷

قذف الله في قلبي هذه العبارة النورانية، فوجدته مطابقاً لتاريخ وفاته (عليه الرحمة والسلام والتحية)

(۲) حضر انواراً = ۱۲۶۷

ولما حضره الوفاة حضره أنواراً جاء مناسباً و مطابقاً هذه العبارة: «حضر أنواراً»

۱. المآثر و الآثار، ص ۱۵۶-۱۵۷.



- ۳) بلغه العلا بکماله = ۱۲۶۷
- أيضاً فزت بعد هذين التاريخين بتطابق هذه العبارة العالية: «بلغه العلا بکماله»
- ۴) قدس الله لتربته = ۱۲۶۷
- وقد قلت في سنة ۱۳۰۱ في تاريخ وفاة المصنّف والدي الماجد: «قدس الله لتربته»
- ۵) جعل الله بالجَنّات مثواه ومأواه = ۱۲۶۷
- وأيضاً ألهمت بتطابق هذه العبارة من كراماته (عليه الرحمة والمغفرة): «جعل الله بالجَنّات مثواه ومأواه»

منابع

- اجابة المضطربين، سيد جعفر دارابی كشفى (م ۱۲۶۷ق)، تحقيق سيد روح الله كشفى، چاپ دوم، چاپخانه حیدری، ۱۳۷۷ق.
- اشرف التواريخ، محمدتقی نوری، تحقيق سوسن اصیلى، تهران، مركز پژوهشى ميراث مكتوب، ۱۳۸۶ش.
- اعيان الشيعة، سيد محسن امين عاملی (م ۱۳۷۱ق)، تحقيق: سيد حسن امين، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- آثار باستانی آذربایجان (آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز)، عبدالعلی کارنگ، تبریز، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۱ش.
- آثار عجم، محمد نصیر فرصت الدوله شیرازی (م ۱۳۳۹ق)، تحقيق منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ش.
- بهجة الآمال في شرح زبدة المقال، ملا علی علیاری تبریزی (م ۱۳۲۷ق)، تحقيق سيد هداية الله مسترحمی، قم، بنياد فرهنگ اسلامي محمد حسين كوشانپور، ۱۴۱۲ق.
- تاريخ بروجرد (دانشمندان بروجرد از قرن چهارم تا عصر حاضر)، غلامرضا مولانا بروجردی (م ۱۳۹۴ش)، تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۵۳ش.
- تاريخ روضة الصفای ناصری، رضاقلی خان هدايت (م ۱۲۸۸ق)، قم، چاپخانه حکمت.
- تاريخ فلسفه اسلامي، هانری کوربن، ترجمه جواد طباطبائی، تهران، ۱۳۷۳ش.
- تتميم امل الآمل، شيخ عبدالنبي قزوينی (م ۱۱۹۷ق)، تحقيق سيد احمد حسينی اشكوری، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۷ق.



- تحفة الملوك، سيد جعفر دارابی كشفى (م ۱۲۶۷ق)، تحقيق عبدالوهاب فراتی، قم، مؤسسه بوستان كتاب، ۱۳۸۵ش.
- تكملة امل الأمل، سيد حسن صدر كاظمینی (م ۱۳۵۴ق)، تحقيق حسين على محفوظ، بيروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۲۹ق.
- حقائق الاخبار ناصری (تاریخ قاجار)، محمدجعفر خورموجی (م ۱۳۰۱ق)، تحقيق حسين خدیوچم، چاپ اول، تهران، زوار، ۱۳۴۴ش.
- حقائق الاصول، سيد محسن طباطبائی حكيم (م ۱۳۹۰ق)، قم، مكتبة بصیرتی.
- دارالسلام (در احوالات حضرت مهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف)، محمود بن جعفر عراقی میثمی (م ۱۳۰۸ق)، چاپ سوم، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ش.
- دانشنامه تخت فولاد اصفهان: مجموعه فرهنگی و مذهبی تخت فولاد، زینظر دکترا صغر منتظر القائم، چاپ اول، اصفهان، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، ۱۳۹۲ش.
- الذریعة الى تصانیف الشيعة، محمد محسن آقابزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)، الطبعة الثانية، بيروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- ریحانة الادب، میرزا محمد علی مدرس تبریزی (م ۱۳۷۳ق)، چاپ اول، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۵ش.
- سلسبیل، میرزا ابوالحسن شریف اصطهباناتی محقق العلماء (م ۱۳۳۸ق)، تحقيق: مجید هادی زاده، چاپ اول، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۹۷ش.
- طبقات اعلام الشيعة (الكرام البررة في القرن الثالث بعد العشرة)، محمد محسن آقابزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)، الطبعة الثانية، مشهد، دارالمرتضى، ۱۴۰۴ق.
- طبقات اعلام الشيعة (الكواكب المنتشرة في القرن الثاني بعد العشرة)، محمد محسن آقابزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)، الطبعة الأولى، بيروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۳۰ق.
- طبقات اعلام الشيعة (نقباء البشر في القرن الرابع عشر)، محمد محسن آقابزرگ طهرانی (م ۱۳۸۹ق)، تحقيق سيد عبدالعزيز طباطبائی، مشهد، دارالمرتضى، ۱۴۰۴ق.
- طرائف المقال في معرفة طبقات الرجال، حاج سيد على اصغر جابلقی بروجردی (م ۱۳۱۳ق)، تحقيق سيد مهدي رجائی، الطبعة الاولى، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۱۰ق.
- طرائق الحقائق، محمد معصوم نائب الصدر شیرازی (م ۱۳۴۴ق)، تحقيق محمدجعفر محجوب، تهران، كتابخانه سنائی.
- فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی (م ۱۳۱۶ق)، تحقيق منصور رستگار فسائی، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.

- فلسفه نیکو (در پیدایش راهزنان و بدکیشان)، حسن نیکو، چاپ اول، تهران.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامعه جوادیّه (بنارس - هند)، سید جعفر حسینی اشکوری، چاپ اول، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه حجت کشفی (استهبان - ایران)، سید صادق حسینی اشکوری، چاپ اول، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های زنگی پور (مولانا سید علی حسین - مولانا سید محمد ابراهیم)، سید محمد حسین حکیم، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
- کفایة الایتام فی معرفة الاحکام، سید جعفر دارابی کشفی (م ۱۲۶۷ ق)، تحقیق سید حسن عارف کشفی، چاپ اول، قم، تحسین ما، ۱۴۰۱ ش.
- گفت و شنود سید علی محمد باب باروحنایون تبریز، میرزا محمد تقی مامقانی - حسن مرسلوند، چاپ اول، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۴ ش.
- لباب الالقاب فی القاب الاطیاب، حبیب الله شریف کاشانی (م ۱۳۴۰ ق)، قم، مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۴ ش.
- المآثر و الآثار، محمد حسن خان اعتماد السلطنه مراغی (م ۱۳۱۳ ق)، کتابخانه سنائی.
- مستدرکات اعیان الشیعة، سید حسن امین عاملی (م ۱۴۲۳ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق.
- مشکوة العباد فی سفینة النجاة لیوم المعاد، سید صبغة الله موسوی کاظمی کشفی (م ۱۲۸۵ ق)، هند.
- مفتاح باب الابواب، مهدی خان زعیم الدولة (م ۱۳۳۳ ق)، مصر، ۱۳۲۱ ق.
- ناسخ التواریخ، میرزا محمد تقی لسان الملک سپهر (م ۱۲۹۷ ق)، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۵۳ ش.
- نجوم السماء فی تراجم العلماء، محمد علی آزاد کشمیری (م ۱۳۰۹ ق)، تحقیق میرهاشم محدث، چاپ اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
- نشان از بی نشان‌ها، علی مقدادی اصفهانی (م ۱۳۸۸ ش)، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات جمهوری، ۱۳۷۶ ش.
- نور الصدر، شهاب الدین محمد بن موسی کمیجانی عراقی (م ۱۳۱۳ ق)، تحقیق محمد کریمی زنجانی اصل، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۹۳ ش.



